پیشرفت زندگی مسیحی

نوشته: ویلیام مک دونالد و سیرل بروکس

فهرست

مقدمه

نامه‌نگاری میسیون بین‌المللی بسیار خرسند است که دوره جدید دیگری از سلسله دروس آموزنده خود را پس از ترجمه و طبع در دسترس همه علاقه‌مندان و پژوهندگان صمیمی قرار دهد. دروس مذکور که «پیشرفت زندگی مسیحی» نام دارد از دوره درس‌های مدرسه کتاب مقدس عمواس واقع در آمریکا اقتباس و به فارسی برگردانده شده است. این دوره شامل دوازده درس می‌باشد که درس‌های فوق‌العاده عالی و مفیدی هستند. لطفا قبل از اینکه به سؤالات پرسش‌نامه پاسخ دهید اول درس مربوطه را با دقت بخوانید و پس از مطالعه دقیق به پرسش‌نامه جواب دهید. بعد از تکمیل سؤالات، درس را پیش خود نگاه داشته فقط پرسش‌نامه را برای ما بفرستید. اگر سؤالی مربوط به موضوعی از درس دارید، آن را برای ما بنویسید خوشحال خواهیم شد که در یافتن جواب به شما کمک کنیم. تقاضا می‌شود که سؤالات فقط مربوط به موضوع دروسی باشد که در حال حاضر مطالعه می‌کنید.

به هر حال در حین مطالعه درس‌ها عجله نکنید. سعی نمایید که از هر درس سرمشق بهتری بدست آورید. اگر به موجب هر علتی درس‌های تازه در طی یک ماه به دست ما نرسد خواهشمند است ما را مطلع گردانید و شماره تحصیلی خود را بنویسید. از آنجایی که تمام موضوعات این دروس روحانی و معنوی است، مخصوصا تأکید می‌کنم که قبل از شروع به مطالعه هر درس اول دعا کنید و هدایت خداوند را بطلبید. بدون کمک خدای بزرگ ما قادر نیستیم که از حقایق روحانی بهره‌مند شده یا آن را درک کنیم. برای اینکه در طی مکاتبه اشتباهی رخ ندهد لطفا اسم و آدرس کامل و شماره تحصیلی خود را با خط خوانا بنویسید.

موفقیت شما آرزوی ماست.

درس اول: برگشت و بازگشت

ایمانداران جدی هرگز نباید در ایمان سست باشند، چون «قوت الهی او همه چیزهایی را که برای حیات و دینداری لازم است به ما عنایت فرموده است» (دوم پطرس ۱: ۳). اگر از رفاقت و شراکت خداوند خودداری کنیم، بی‌شک تقصیر خود ماست. به هر حال، باید پی ببریم که علت ضعف و سستی ایمان چیست این امر نه فقط به خاطر اطلاع و اصلاح خودمان لازم است، بلکه به منظور کمک و هدایت آنهایی که شادی نجات خود را از دست داده‌اند ضروری می‌باشد. انحطاط ایمان از کجا شروع می‌شود؟ به طور معمول این به تدریج واقع می‌شود نه ناگهانی. لذت‌های بی‌ضرر ممکن است ما را از امور روحانی دلسرد سازد. گناه اعتراف نشده حس ما را نسبت به درک چیزهای درست یا غلط از بین می‌برد. به تدریج خود را تسلیم وسوسه‌های دنیوی و نفسانی می‌کنیم. از اعتراف ایمان به مسیح بدون ترس و واهمه سست می‌گردیم. آن وقت تمیز دادن بین ما و مردمان نجات نیافته که در اطراف ما هستند دشوار می‌شود. این مرحله زوال و انحطاط را در شمشون و نعمومی و پطرس خوب می‌توانید مشاهده نمایید. (داوران ۱۴: ۲۶) و (روت ۱:۱-۵) و (لوقا ۲۲: ۵۴-۶۲). چند نشانه از مشخصات شخصی که از خداوند دوری گزیده در ذیل آمده است.

۱- هیچ اشتیاق برای خواندن کتاب مقدس و دعا ندارد. چون یک شخص مریض اشتهای روحانی‌اش کور است. «من ای برادران نتوانستم به شما سخن گویم، چون روحانیون بلکه چون جسمانیان و چون اطفال در مسیح و شما را به شیر خوراک دادم نه به گوشت، زیرا که هنوز استطاعت آن را نداشتید، بلکه الحال نیز ندارید» (اول قرنتیان ۳: ۱-۲).

۲- هیچ علاقه‌ای برای شرکت با مسیحیان روحانی ندارد. شاید از آنها دوری می‌کند و اگر به مجالس کلیسایی حضور بهم می‌رساند، از روی علاقه قلبی خود است. «زیرا که دیماس برای محبت این جهان حاضر مرا ترک کرده به تسالونیکی رفته است و کریکیس به غلاطیه و تیطس به دلماطیه» (تیموتاؤوس ۴:۱۰).

۳- عزمی راسخ برای پیشرفت در روحانیت ندارد. رشد در فیض همانطوری که در گذشته برایش مهم بود، دیگر برایش اهمیتی ندارد. «زیرا که هر چند با اینطور زمان شما را می‌باید معلمان باشید باز محتاجید که کسی اصول و مبادی الهامات خدا را به شما بیاموزد و محتاج شیر شدید نه غذای قوی» (عبرانیان ۵: ۱۲).

۴- وابستگی و اتکای او به خدا کم یا هیچ است. احساس می‌کند که خودش کاملا قادر به کشیدن نقشه‌های خویش است و آنطور که خودش می‌خواهد می‌تواند زیست کند. «هان ای کسانی که می‌گویید امروز و فردا به فلان شهر خواهیم رفت و در آنجا یک سال بسر خواهیم برد و تجارت خواهیم کرد نفع خواهیم برد و حال آنکه نمی‌دانید که فردا چه می‌شود و از آن روز که حیات شما چیست مگر بخاری نیستید که اندک زمانی ظاهر است و بعد ناپدید می‌شود. به عوض آنکه باید گفت که اگر خدا بخواهد زنده می‌مانیم و چنین و چنان می‌کنیم» (یعقوب ۴: ۱۳-۱۵).

۵- خوشحال نیست. به هر نحوی که بخواهد آن حالت پریشانی خود را پنهان سازد، یک مسیحی منحط موجودی نگون‌بخت و بیچاره است. اگر کسی در راه بی‌دینی و سردی ایمان با خوشحالی ادامه دهد، این امر نشانه‌ای است که هرگز تولد تازه نداشته است (به مزمور ۵۱: ۱۲ رجوع شود).

۶- از دیگران عیب‌جویی می‌کند. به جای اینکه متوجه تقصیر خود بگردد، برای بدبختی‌اش دوستان خود را ملامت می‌کند. برای توضیح این حقیقت به داستان زیر توجه فرمایید: می‌گویند روزی در یک بعد از ظهر داغ پیرمردی ریشو زیر درخت نارونی خوابیده بود. در حالی که او در خواب بود، چند جوان موذی مقداری پنیز که بوی زننده‌ای می‌داد، به ریشش مالیدند. پیرمرد وقتی که بیدار شد دیگران را متهم می‌کرد که آنها بوی پنیر بد بو می‌دهند. این داستان درست درمورد یک مسیحی منحط صادق است. «و چون است که خس را در چشم برادر خود می‌بینی و چوبی که در چشم خود دارای نمی‌یابی؟» (متی ۷: ۳).

۷- بالاخره او برای **همیشه عذر می‌آورد.** ادعا می‌کند که با وی به طور غیرمنصفانه‌ای رفتار شده و قربانی محیط گردیده است یا اینکه از سایر مسیحیان روحانی‌تر است (به ملاکی ۲: ۱۷ رجوع شود). کسانی که در این حالت می‌باشند عده محدودی از آنها پی می‌برند که وضعشان چقدر هولناک است. برای اندکی به نتایج هولناک دور شدن از مسیح توجه کنید:

- قبل از همه گناهی نیست که یک مسیحی منحرف نتواند مرتکب شود به جز انکار مسیح. چه کسی می‌تواند اندازه ماتم، پشیمانی و حزن ایماندارانی را که در اثر نافرمانی، خدا و کلیسا و خانواده خودشان را مأیوس و دلسرد کرده‌اند بیان کند؟ (اعمال رسولان ۵: ۱-۱۱).

- حتی یک لحظه تماس نداشتن با خدا ممکن است باعث خرابی و ویرانی زندگی بگردد. یک انتخاب غلط و یک قدم اشتباه و فقط یک گناه کافیست که کسی را از خدمات سودمندی برای خداوند در اجتماع برای همیشه محروم کند (اول قرنتیان ۵: ۱-۱۳).

- انحراف در ایمان اغلب نتایج جسمانی در زندگی به جای می‌گذارد. گرچه ایماندار هرگز کیفر گناهان خودش را در ابدیت نمی‌پردازد، ولی نتایج گناهان خود را در این حیات متحمل می‌شود. مثلا به دوم سموئیل ۱۲: ۱۴ رجوع کنید و و تاریخ آینده داوود را بخوانید. بیماری و علیلی به یاد می‌آورند که «آنچه آدمی بکارد همان را درو خواهد کرد» (غلاطیان ۶: ۷).

- هنگامی که یک مسیحی از مسیح چشم می‌پوشد و همواره به گناه خود ادامه می‌دهد، آنگاه خدا مجبور می‌شود که قبل از فرا رسیدن وقت معین مرگ وی، او را از زمین بردارد. «از این سبب بسیاری از شما ضعیف و مریض‌اند و بسیاری خوابیده‌اند» (اول قرنتیان ۱۱:۳۰). «اگر کسی برادر خود را ببیند که گناهی را که منتهی به موت نباشد می‌کند دعا بکند و او را حیات خواهد بخشید به هر گناهی که منتهی به موت نکرده باشد، گناهی منتهی به موت هست، به جهت آن نمی‌گویم که دعا باید کرد» (اول یوحنا ۵: ۱۶). این است آخرین کلام.

هرگز نباید کلمات رقت‌انگیز نعومی را بعد از اینکه از سرگردانی‌هایش برگشت، فراموش کنیم. «او به ایشان گفت مرا نعومی (دلپذیر) مخوانید، بلکه مرا مره (تلخ) بخوانید، زیرا قادر مطلق به من مرارت سخت رسانیده است. من پر بیرون رفتم و خداوند مرا خالی برگردانید پس برای چه مرا نعومی می‌خوانید، چونکه خداوند مرا ذلیل است و قادر مطلق به من بدی رسانیده است» (روت ۱:۲۰ و ۲۱). نعومی شوهر و دو پسر خودش را در اثر انحراف در ایمان از دست داد. ما همانند او می‌توانیم با نیرو و توانایی خود از خدا دور شویم، اما فقط خدا ما را برمی‌گرداند. به مثال او، ما می‌توانیم پر بیرون رویم، اما خداوند مطمئنا ما را خالی برمی‌گرداند، اما شخص مسیحی که از خداوند دور شده است، می‌تواند همیشه سپاسگزار باشد که راه بازگشت به سوی خدای پدر همیشه باز است.

«در ساعت برخاسته به سوی پدر خود متوجه شد، اما هنوز دور بود که پدرش او را دیده ترحم نمود و دوان دوان آمده او را در آغوش خود کشیده بوسید» (لوقا ۱۵:۲۰). همچنان که آغوش آن پدر در مثل مسیح به سوی پسرش باز بود، به همان نحو آغوش پدر آسمانی ما برای هر مسیحی دور شده باز است. به این جهت هیچ وقت لزومی ندارد که آن روح خوشی را که باید در خانواده خدا داشته باشیم شکسته بماند. راه برگشت برای آنهایی که مایل به بازگشت هستند باز است. طرق زیر این موضوع را برای ما روشن‌تر می‌کند.

اعتراف

- الف- خدا قول می‌دهد: «اگر به گناهان خود اعتراف کنیم او امین و عادل است تا گناهان ما را بیامرزد و ما را از هر ناراستی پاک سازد» (اول یوحنا ۱: ۹).

- ب- اعتراف باید از صمیم قلب باشد. اگر قلبا و با خلوص نیت توبه نکنیم، توبه ما ارزشی ندارد. پیشنهاد می‌شود که مزمور ۵۱ را مطالعه کنید و به نمونه کاملی از دل‌شکستگی و توبه واقعی توجه نمایید. هنگامی که ما به این درجه برسیم آنگاه دیگران را سرزنش نخواهیم کرد و برای خود عذر و بهانه نخواهیم تراشید، بلکه قلبا به تقصیر

خود اعتراف خواهیم کرد.

- **ج- اعتراف باید صریح باشد. ذکر گناهان به طور صریح در نزد خدا ارزش خاصی دارد. از آنجایی که ما در معرض امور معصیت‌آمیز قرار داریم و اگر تمام زشتی‌ها را در حضور او اعتراف کنیم، آنگاه آنها را مجددا مرتکب نخواهیم شد. «هر که گناه خود را بپوشاند برخوردار نخواهد شد، اما هر که آن را اعتراف کند و ترک نماید رحمت خواهد یافت» (امثال ۲۸: ۱۳).**

- **د- جبران. مسیحی منحرفی که توبه کرده، مایل می‌شود، اشتباهات و گناهانی را که نسبت به دیگران مرتکب شده تا آنجایی که امکان دارد جبران نماید. مثلا اگر چیزی دزدیده شده، باید با کمال علاقه به صاحبش پس داده شد. اگر بر ضد کسی گناهی کرده‌ایم، در مقابل او اعتراف کنیم. اظهار تأسف و خجالت در چنین مواقع از زیاد شدن خصومت‌ها در آینده جلوگیری می‌کند.**

- **ه- تجدید مشارکت با خداوند. «جان مرا برمی‌گرداند و به خاطر نام خود به راه‌های عدالت هدایتم می‌نماید» (مزامیر ۲۳: ۳). با اعتراف کامل به گناه باید ایمان داشته باشیم که خدا ما را بخشیده است. به همان صورتی که ایمان آوردیم که در اثر ایمان به مسیح نجات داریم. به این طریق باید اعتقاد داشته باشیم که با اعتراف به گناهان و ترک آنها بخشیده می‌شویم و مشارکت ما با خداوند تجدید می‌گردد. اگر شخصی هر روز کلام خدا را بخواند و دعا بکند، هرگز نباید شادی نجات خود را از دست داده و از مسیح دور گردد.**

درس دوم: عبادت

یکی از مهم‌ترین اعمال روحانی در زندگی مسیحی عبادت است. بنابراین اگر یک جوان مسیحی می‌خواهد که توازن و تعادل خود را در ایمان حفظ کند، خواهد دید که از این تمرین روحانی نباید غفلت شود. عبادت، ستایش خداست و ستودن عظمت و شخصیت او. همچنین عبادت ستایش خداوند است برای کارهایی در حق ما انجام داده؛ یعنی ستایش عظمت کار او. این نوع ستایش «از قلبی که همواره در مسیح تفکر می‌کند لبریز است.» همانطوری که زانو زدن حالت جسم را در دعا نشان می‌دهد، به همان طریق عبادت حالت روح در ستایش است. حالت تقدیم کردن به خدا، نه گرفتن از او، اگرچه این عمل همواره نتیجه برکت برای شخص بخشنده می‌شود، اما چرا عبادت اینقدر لازم است؟ دلایل متعددی در کتاب مقدس در خصوص این مطلب یافت می‌شود.

۱- ما آفریده شده‌ایم که باعث جلال خدا گردیم. «یعنی هر که را به اسم من نامیده شود و او را به جهت جلال خویش آفریده و او را مصور نموده و ساخته باشیم» (اشعیا ۴۳: ۷). هنگامی که از ما سؤال شود که هدف اصلی چیست؟ پاسخ صحیح که به این سؤال خواهیم داد این است: «هدف اصلی جلال بخشیدن خداوند است که برای همیشه در او شادی کنیم.»

۲- ما نجات یافتیم که خدا را محترم بشماریم «تا از ما که اول امیدوار به مسیح می‌بودم جلال او ستوده شود» (افسسیان ۱: ۱۲). مسیح بر فراز تپه جلجتا جان داد تا که عبادت‌کنندگان را فزونی بخشد.

۳- خدای پدر در طلب عبادت ماست. «لیکن ساعتی می‌آید، بلکه الان است که در آن پرستندگان حقیقی پدر را به روح راستی پرستش خواهند کرد، زیرا که پدر مثل این پرستندگان خود را طالب است» (یوحنا ۴: ۲۳).

۴- ما آنطوری که انتظار داریم خواهیم شد. «لیکن همه ما چون با چهره بی‌نقاب جلال خداوند را در آینه می‌نگریم از جلال تا جلال به همان صورت متبدل می‌شویم چنانکه از خداوند که روح است» (دوم قرنتیان ۳: ۱۸).

داستانی گفته‌اند از پارسایی متعصب در یکی از کشورهای مشرق زمین که اغلب اوقات خود را با نشستن داخل معبد و نگاه کردن به مجسمه بودا می‌گذرانید. او مانند آن مجسمه دست‌ها بر دامن و با حالت موقری که بر چهره داشت چهار زانو نشسته بود. بازدیدکنندگان تعریف کردند که او به قدری شبیه آن مجسمه شده بود که فرق گذاشتن بین آنها مشکل بود. این داستان چه حقیقت داشته باشد و چه نداشته باشد، امری است مسلم که ما مسیحیان همانطوری که بر جلال خداوند نظر می‌دوزیم، از جلال تا جلال به همان صورت متبدل می‌شویم چنانکه از خداوند که روح است. در کتاب مقدس مثل‌های عبرت‌آمیز درمورد عبادت یافت می‌شود که مطالعه دقیق آنها واجب است. برای مثال چهار گفته ذیل را در نظر می‌گیریم که در عهد جدید وجود دارد و برای تسلیم حائز اهمیت است.

۱- عبادت مجوسیان (متی ۲: ۱- ۱۲). آنها از محل دوری به سوی مسیح مسافرت کردند و هدایای گرانبها برایش بردند. طلا اشاره به پادشاهی و سلطنت، کندر اشاره به زندگی بی‌گناه و معطر او و مر اشاره به تلخی رنج‌های وی می‌باشد. خوب گفته‌اند که «خردمندان کسانی هستند که چون آن مجوسیان هنوز او را پرستش می‌کنند.»

۲- پرستش زن با شیشه عطر (به متی ۲۶: ۶-۱۳ و مرقس ۱۴: ۳-۹ رجوع شود). آن زن آنچه که بسیار گرانبها بود بر سر و پاهای خداوند عیسی ریخت شاگردانش اظهار کردند اسراف است. آنها فکر می‌کردند که پول آن عطر باید به بیچارگان داده می‌شد، اما هر عملی که به عنوان عبادت خداوند باشد در نظر او اسراف نمی‌باشد.

۳- پرستش مریم (به لوقا ۱۹: ۴۸-۴۳ رجوع شود). در اینجا عبادت با خدمت مقایسه می‌شود. مریم با مسیح مشغول خدمت بود، در حالی که مرتا خوراک آماده می‌کرد عبادت و خدمت هر دو مهم هستند، اما آیا نظر خداوند در آیه ۴۲ نمی‌رساند که عبادت باید در مرحله نخست قرار گیرد؟ «مسیح هرگز کار پرزحمتی به نمی‌دهد که فرصت آسودن به

زیر پاهایش را از دست دهیم. انتظار ما در صبر و شکیبایی برای او خدمتی است کامل به جهت او.»

۴- عبادت ابرص طاهر شده (به لوقا ۱۷: ۱۲-۱۹ رجوع شود). ده شخص مبروص پاک شده بودند، اما فقط یکی زحمت برگشتن به خود داد و خدا را جلال داد. سؤال حزن‌انگیز خداوند که پرسید «پس آن نه کجا هستند؟» این امر را روشن می‌کند بسیاری از شفا یافتن از دست‌های مسیح خداوند خوشحالند، اما قلیل هستند آنهایی که به خود زحمت تشکر و تمجید می‌دهند.

اکنون سؤال مورد بحث این است، «ایماندار به این مطلب چگونه می‌تواند جامه عمل بپوشاند؟ چگونه می‌تواند او را عبادت کند؟ ما دو طریق پیشنهاد می‌کنیم که هر دو راه در زندگی مسیحی لازم است و ضروری:

۱– انفرادی. یک ایماندار می‌تواند عبادت را در هر دعای خود بگنجاند. هر وقت که با خدا سخن می‌گوید، می‌تواند احساس رضایت شخصی خود را برای تمامی آنچه که عیسای خداوند برایش مفهوم دارد، ابراز نماید. «در هر چیز با صلوا سؤالات خود را به خدا عرض کنید» (فیلیپیان ۴: ۶). مزامیر، نمونه‌هایی عالی برای عبادت می‌دهد. تمرین خوبی است که ما قسمت‌هایی از این اشعار را از بر کنیم و آن را همیشه بر زبان بیاوریم. سپس سرودهای عبادتی فراوانی وجود دارد که ما می‌توانیم آنها را از دل بخوانیم و یا در دعای خود نقل کنیم. سرود زیر نمونه‌ای است دلپذیر:

«چون با توجه بنگرم، اندر صلیبی که بر آن
شاه جلال از بهر ما، با میل خود بخشید جان
از افتخاراتم خجل، گردم همی از جان و دل
کاخ بزرگی مضمحل، دانم همه سودم زیان.»

۲– جمعی. جلسه به طور مخصوص برای عبادت ترتیب می‌دادند و آن شام خداوند بود. شب تسلیم شدنش، عیسای خداوند این رسم را به جای گذاشت به منظور اینکه:
الف – او را به خاطر بیاورند. «این را به یاد من بجا آورید» (لوقا ۲: ۱۹).
ب – نشان مرگش را بنمایاند. «زیرا هرگاه این نان را بخورید و این پیاله را بنوشید موت خداوندی را ظاهر نمایید» (اول قرنتیان ۱۱: ۲۶).
ج – منتظر بازگشت او باشند. «تا هنگامی که باز آید» (اول قرنتیان ۱۱: ۲۶).
د – شهادت به اتحاد در بدن مسیح بدهند (اول قرنتیان ۱۰: ۲۶ و ۱۷).

تکه نان و پیاله به خاطر می‌آورد که تمامی ایمانداران اعضای مشترک بدن مسیح هستند (خیلی از کلیساهای جهان به آن ترتیبی که در کلیسای اولیه انجام می‌شد انجام نمی‌دهند؛ یعنی از یک نان و یک پیاله نمی‌خورند، بلکه پیاله‌های متعدد و قطعه نان‌های زیاد تهیه می‌بینند). در عهد جدید هیچ دستوری صریح برای تعیین فواصل وقت انجام این یادگاری داده نشده است. پولس رسول به سادگی فرمود: «هرگاه این نان را بخوری و این پیاله را بنوشید.» به هر حال اشارتی واضح وجود دارد که نشان می‌دهد، شاگردان اولیه در اول هر هفته یعنی یکشنبه گرد هم می‌آمدند و آن خاطره فراموش نشدنی را بجای می‌آورند اعمال رسولان ۲۰: ۷، می‌گوید و در اول هفته چون شاگردان به جهت شکستن نان جمع شدند و پولس در فردای آن روز عازم سفر بود برای ایشان موعظه می‌کرد و سخن او تا نصف شب طول کشید.» به خاطر آوردن رنج‌ها و مرگ نجات‌دهنده به طور متداول، ایمانداران را الهام می‌بخشد که مسیح خداوند را عبادت و تمجید نمایند.

در خاتمه درس لازم است که به دو اصل مهم پی ببریم:
۱- عبادت حقیقی باید «در روح راستی» باشد. «خدا روح است و هر که او را پرستش کند می‌باید به روح و راستی بپرستد» (یوحنا ۴: ۲۴). پوشیدن اونیفورم کلیسایی، آیین‌های طاقت‌فرسا، تشریفات یا هدف‌های مادی لزومی ندارد. عبادت حقیقی از دل برمی‌آید.

۲- مکانی مخصوص بر روی زمین وجود ندارد که ما باید در آن عبادت کنیم. شخص مسیحی با تمجیدهای خود به

وسیله ایمان به حضور خدا راه می‌یابد. «لیکن حضرت اعلی در خانه‌های ممنوع دست‌ها ساکن، نمی‌شود، چنانکه نبی گفته است که خداوند می‌گوید، آسمان کرسی من است و زمین پای‌انداز من آنچه خانه برای من بنا می‌کنید و محل آرامیدن من کجاست. مگر دست من جمیع این چیزها را نیافرید؟» (اعمال رسولان ۷: ۴۸-۵۰) و همچنین همانطوری که پولس رسول می‌فرماید: «پس آرزوی این دارم که فلسردان مقدس را بدون غیظ و جدال برافراشته در هر جا دعا کنند.» (اول تیموتاؤوس ۲: ۸).

«چون ما به وسیله عیسای مسیح خداوند بازخرید شده‌ایم و دخول دائمی به حضور خدا به وسیله خون او یافته‌ایم» پس به وسیله او قربانی تسبیح را به خدا بگذارنیم؛ یعنی ثمره لب‌هایی را که به اسم او معترف باشند (عبرانیان ۱۳: ۱۵). بنابراین توجه خود را به نصیحت رساله (عبرانیان ۱۰: ۱۹-۲۱) مبذول کنیم. «پس ای برااردان چونکه به خود عیسی دلیری داریم تا به مکان اقدس داخل شویم و از طریق تازه و زنده که آن را به جهت ما از میان پرده یعنی جسم خود مهیا نموده است و کاهنی بزرگ را بر خانه خدا داریم پس به دل راست در یقین و ایمان دل‌های خود را از ضمیر بد پاشیده و بدن‌های خود را به آب پاک غسل داده نزدیک بیاییم.»

درس سوم: از بر کردن کلام خدا

هر کسی می‌تواند کلام خدا را حفظ کند. امروزه در میان مسیحیان استدلال غلطی وجود دارد که استعداد از بر کردن فصول کتاب مقدس فقط به عهده معدودی به ودیعه گذاشته شده به سخنان یک واعظ گوش می‌دهیم و می‌بینیم که او چگونه از فصل‌های کلام خدا نقل قول می‌کند، آنگاه با حسرت می‌گوییم: «ای کاش این عطیه را من هم داشتم.» این اشتباه بزرگی است. سؤالی که ما باید با آن رو به رو شویم این نیست که «آیا من می‌توانم کلام خدا را حفظ کنم؟» خیر، بلکه «آیا مایلم آن را از بر نمایم؟» اگر میل ما در انجام آن کار به حد کافی قوی باشد، مطمئنا موفق خواهیم شد. چرا لازم است که مسیحیان آیات کتاب مقدس را از بر کنند؟ برای بیان این امر دلایل زیادی وجود دارد که در اینجا فقط چند تا را ذکر می‌کنیم.

۱- کلام خدا ودیعه مقدسی است برای زمان ابدیت هر حکمتی که شما در این جهان از کتاب مقدس تحصیل می‌کنید با شما به فردوس می‌رود. حکمت و دانش‌های دیگر در بهشت بی‌فایده خواهد بود، اما «کلمه خدا تا ابدالاباد باقی است» (اول پطرس ۱: ۲۵).

۲- کلام خدا کمکی است برای پاک زندگی کردن. زبورنویس می‌گوید: «به چه چیز مرد جوان راه خود را پاک می‌سازد به نگاه داشتن موافق کلام تو. کلام تو را در دل خود مخفی داشتم که مبادا به تو گناه ورزم» (مزمور ۱۱۹: ۹-۱۱). آیا به خاطر می‌آورید که عیسی خداوند با وسوسه شیطان در بیابان چگونه رو به رو شد؟ او همواره از کلام خدا نقل قول می‌کرد (به متی ۴: ۴ و ۷ و ۱۰ رجوع شود). هنگامی که ما شمشیر و روح را که کلام خداست بر ضد دشمن به کار می‌بریم او می‌گریزد.

۳- کلام خدا آلتی است برای هدایت. منظور حضرت داوود این بود، هنگامی که فرمود: «کلام تو برای پای‌های من چراغ و برای راه‌های من نور است.» چراغ و نور به ما می‌گویند که قدم بعدی را کجا بگذاریم. اگر کتاب مقدس به عنوان گنجینه‌ای در دل خود نگاه داریم، آنگاه آن همین کار را انجام خواهد داد و این سخنانی که من امروز تو را امر می‌فرمایم بر دل تو باشد» (تثنیه ۶: ۶).

۴- کلام خدا کمک پرارزشی است برای هدایت دیگران به سوی مسیح. برای هدایت دیگران به سوی نجات‌دهنده، حرف‌های ما چندان ارزشی ندارد. آن عامل مؤثری که باعث آمدن دیگران به سوی مسیح می‌گردد کلام خداست که زنده و مقتدر و برنده‌تر است و هر شمشیر برنده‌تر (عبرانیان ۴: ۱۲). هنگامی که با بی‌ایمانی طرف صحبت هستید آیا از آیات مناسب می‌توانید نقل قول کنید؟

۵- کلام خدا سرچشمه شگفت‌انگیز تسلی است، زیرا همه چیزهایی که از قبل مکتوب شد و برای تعلیم ما نوشته شد تا به صبر و تسلی کتاب امیدوار باشیم. بعضی اوقات وضع زندگی طوری پیش می‌آید که ما قادر به مطالعه کتاب مقدس نیستیم. به هر حال اگر وعده‌های او را از بر کرده‌ایم، در هنگام لزوم با ما سخن خواهند گفت و ما را تسلی خواهند بخشید.

اگر یک مسیحی واقعا می‌خواهد کلام خدا را حفظ کند، ولی به نظرش دشوار می‌آید، چه باید بکند؟ پاسخی آزمایش شده و دلیل برای این سؤال وجود دارد. درمورد موضوع مربوطه دعا کند. به خداوند بگوید که می‌خواهد آیات کتاب مقدس را برای جلال او از بر کند و او کمک لازم را به شما خواهد کرد. «در خداوند تمتع ببر، پس خواسته دل تو را به تو خواهد داد» (مزمور ۳۷: ۴).

یکی از اولین سؤالات که در آغاز مطلب باید به آن جواب داده شود، این است که «چه چیز را باید حفظ کنم؟» پیشنهادات ذیل در خصوص این موضوع مفید است:

- قبل ازهر چیز، از کتاب مقدسی که در زمان حال در کلیسا و مجامع مسیحی به رسمیت شناخته شده استفاده کنید.

- شاید شخص مبتدی می‌خواهد با حفظ کردن آیه‌های تکی شروع کند. ممکن است یکسری از آیات مقدماتی راجع به راه نجات را انتخاب کند یا قسمتی از وعده‌های گرانبها یا برخی از آیات که در خصوص موضوع مخصوصی در انجیل بحث می‌کند برگزیده و همه را یکی یکی از بر کند.

- پس از این می‌تواند به حفظ کردن فصل‌ها بپردازد. بعضی از فصل‌ها منتخب و برگزیده در اینجا دسته‌بندی شده است. مزمور ۲۳، اشعیا ۵۳، یوحنا ۱ و ۱۷ و اول قرنتیان ۱۳ و عبرانیان ۱ و ۱۱.

- سپس به حفظ کردن کتاب‌های کامل، کتاب مقدس می‌رسیم. این راه یکی از بهترین طریق درک پیام یک کتاب است که یکی از بهترین روش مطالعه است و هیچ روش دیگری فایده بیشتری از این نخواهد داشت.

اما اکنون به مسأله بزرگتری برخورد می‌کنیم که «چطور می‌توانیم حفظ کنیم؟» یا «بهترین روش برای حفظ کرن چیست؟» قبل از همه می‌خواهیم حقیقتی را روشن سازیم. راه آسان و میانبر وجود ندارد. راه‌های مختلفی برای حفظ کردن آیات کتاب مقدس وجود ندارد، ولی برای موفق شدن در هر یک از این طریق، باید زحمت کشید. در نظر گرفتن زحمت از بر کردن آیات کتاب مقدس مانع مأیوس شدن شما می‌گردد. قدم اول تهیه کارت‌های کوچک و خالی است. اندازه این کارت‌ها مهم نیست، ولی پیشنهاد می‌کنیم کارت‌هایی خودتان درست کنید که اندازه هر کارت ۵ در ۷ باشد. آیه را در یک طرف و محل آیه را در طرف دیگری بنویسید. با نوشتن این آیات بر روی کارت‌ها تمرینی می‌شود که آیات در ذهن شما بماند. (ما ده درصد آنچه را می‌شنویم و پنجاه درصد آنچه را می‌بینیم و هفتاد درصد آنچه را که می‌گوییم و نود درصد آنچه را انجام می‌دهیم، به خاطر می‌سپاریم)، بنابراین نوشتن آیات بر روی کارت‌ها برای از بر کردن آن امری است مؤثر.

سپس یک کارت را بردارید و آیات نوشته شده روی آن را به طور مکرر بخوانید. به متن درست کلمات کنید، کوشش کنید آیات را کاملا صحیح یاد بگیرید. هر وقت که آیه را می‌خوانید، محل آن را نیز بخوانید. اگر ممکن است بلند تکرار کنید. به این طریق آیه را هم از طریق چشم یاد می‌گیرید و هم از طریق گوش. با تکرار دائمی کمتر احتیاج پیدا می‌کنید که به کارت‌ها رجوع کنید، اما هنگامی که می‌توانید آیه و محل آن را بدون کارت بگویید، فکر نکنید که کارتان تمام شده است. هنوز باید به طور همیشگی دوره کنید. همچنان که آیات جدیدتری یاد می‌گیرید، آیات گذشته را که قبلا یاد گرفته‌اید تکرار کنید و اطمینان حاصل نمایید که آنها را خوب یاد گرفته‌اید. به آیه روی کارت نگاه کنید و ببینید که آیا محل آیه را می‌توانید بگویید یا نه؟ بعدا به محل آیه رجوع کنید و خود آیه را از بر بگویید.

از دوستی بخواهید که هنگام گفتن آیات برای او غلطهای شما را بگوید و اینک یک اخطار از شدت علاقه در ابتدا سعی نکنید که آیات زیادی را یکباره حفظ کنید. خیلی بهتر است که انسان یک آیه را در یک روز خوب یاد بگیرد تا اینکه چندین آیه را سرسری فرا گیرد و فراموش کند و از ادامه دادن دست بکشد. اگر یک آیه تازه در طی یک روز یاد بگیرید و تمام آیات را که قبلا فرا گرفته‌اید دوره کنید، آنگاه در ظرف یک سال ۳۶۵ آیه از کتاب مقدس فرا گرفته‌اید. به این ترتیب بنای کار لذت‌بخشی را پی‌ریزی می‌کنید که دیگر به نظر شما مشکل نخواهد بود. بعضی‌ها ثابت کرده‌اند که اگر قرار باشد آیات حفظی را به اندازه کافی دوره بکنند حفظ کردن یک آیه تازه در هر روز کاری اضافی است. آنها یاد گرفتن سه آیه در هر هفته و دوره کردن حداقل بیست آیه را هر روز پیشنهاد می‌کنند، کیفیت را نباید قربانی کمیت کرد.

آخرین سؤال این است که «چه موقعی باید حفظ کنم؟» بهترین راه این است که برای این کار هر روز یک وقت معین در نظر گرفته شود شاید بشود در هنگام مطالعه کتاب مقدس و راز و نیاز این کار را انجام داد. یاد گرفتن یک آیه در صبح لقمه لذیذی است که می‌شود در تمام روز آن را نشخوار کرد. سپس به اوقات «اضافی» می‌رسید مثل سوار شدن در اتوبوس یا تاکسی، هنگام انتظار کسی یا در خلال ساعت تنفس یا ناهار، تمام این ساعات متفرقه می‌توانند برای خدا و ابدیت به کار روند. در اینگونه مواقع می‌توانید کارت‌های خود را دربیاورید و به کار شروع کنید. سرانجام از بر

کردن کلام خدا، می‌تواند سرگرمی لذت‌بخشی باشد. هنگامی که در میان دوستان و خانواده هستیم، یا سر میز غذا در هر شخصی که سعی می‌کند آیه حفظی منتخب بهتری ادا کند، یک روح رقابت سالم به وجود می‌آورد همچنین بحثی پیرامون مفاهیم آیات غالبا درمی‌گیرد.

اینک می‌گوییم، هیچ چیز از آنچه در این دروس گفته شد به شما فایده‌ای نخواهد رسانید، مگر آنچه خوانده‌اید به معرض اجرا قرار دهید. اگر کلام خدا را در دل خود مخفی نگاه دارید، هم در این حیات و هم در حیات آینده اجر خواهید داشت. بنابراین از بر کردن کلام مقدس را از همین امروز شروع کنید.

درس چهارم: اعمال نیکو

هنگام بشارت به بی‌ایمانان، ایمانداران باید سعی کنند که این مطلب را برایشان روشن سازند که هیچ احدی با اعمال نیکو نجات نمی‌یابد، ولی مسیحیان باید به همدیگر تأکید کنند که ما باید اعمال نیکو بجا آوریم، زیرا برای همین نجات یافته‌ایم. «زیرا که محض فیض نجات یافته‌اید به وسیله ایمان و این از شما نیست، بلکه بخشش خداست و نه از اعمال تا هیچ کس فخر نکند، زیرا که صنعت او هستیم آفریده شده در مسیح عیسی برای کارهای نیکو که خدا از قبل مهیا نمود تا در آنها سلوک نماییم» (افسسیان ۲: ۸-۱۰). پیوسته در عهد جدید می‌بینیم که شاگردان مسیح تشویق به انجام اعمال نیکو شده بودند. (متی ۵: ۱۶، اول تیموتاؤوس ۶: ۱۷، دوم تیموتاؤوس ۳: ۱۷، ۲: ۷، ۱۴، ۳: ۸ و ۱۴، عبرانیان ۱۰: ۲۴، اول پطرس ۲: ۱۲ رجوع شود). این صفت ممیز حیات نجات‌دهنده بود که «اعمال نیکو بجا می‌آورد» (اعمال رسولان ۱۰: ۳۸). «کافی است شاگرد را که چون استاد خویش گردد غلام را که چون آقای خود شود» (متی ۱۰: ۲۵).

اکنون ما در دنیای بی‌نهایت خودطلبی بسر می‌بریم و تمایل انسان‌ها این است که در مرحله نخست درباره نفس خود تفکر کنند و دیگران را در قدم دوم قرار دهند، اما صدای خاموش‌ناپذیر مسیحیت می‌گوید، عمل نیکو کن، برای دیگران زندگی کن، آنچه داری مصرف کن و وجودت را صرف خدمت دیگران کن، هر روز فرصت‌های متعددی به ما می‌دهد که می‌توانیم مهربانی خود را نشان دهیم. دست محتاجی را بگیریم، کلام تسلی‌بخش بگوییم سپس همواره بر آن باشیم که برای فرصت‌های طلایی خدمت و شهادت برای مسیح زنده باشیم. راهنمای ما به شرح زیر است:

۱– بیماران. برای آنانی که در بستر بیماری افتاده‌اند چه می‌شود کرد یک عیادت با بشاشی، یک پاکت میوه، چند کلمه دعا، اینها طرق غالب برای نشان دادن محبت به بی‌ایمانان و تسلی به ایمانداران است.

۲– مسن‌ها. مهربانی‌هایی که برای اشخاص مسن شود، مخصوصا اگر از طرف جوان‌ها باشد بی‌نهایت راضی می‌شوند. رساندن آنها به اتومبیل، دعوت از آنها برای غذا یا حتی فرستادن کارت تبریک در بعضی از مواقع مخصوص. اینها طرقی عملی هستند که به مسیح اجازه می‌دهند تا به وسیله شما کار کند.

۳– فقرا. یک اطلاع جزئی از کتاب مقدس معلوم می‌گرداند که فقرا در کانون محبت خدا جای بسیاری مخصوصی را دارا هستند. آنهایی که به فقیران خدمت کنند برکت می‌یابند و آنهایی که بر مستمندان ستم کنند مجازات می‌گردند ممکن است به یک فقیر مقداری لباس مستعمل بدهید یا مقداری پول به عنوان هدیه ببخشیم، ولی با همین کار خشنودی استاد را تحصیل می‌کنیم که می‌فرماید: «نیک انجام داده‌ای.» بسیاری از فقرا در اثر نیکوکاری مسیحیان به سوی مسیح هدایت شدند و نجات یافتند. برای تمیز دادن بین مستمندی که واقعا محتاج است و گدای حرفه‌ای احتیاط لازم است بگذارید که سخاومت شما از بصیرت و دیده باز باشد.

۴– رانده‌شدگان. در هر شهری عده‌ای یافت می‌شوند که به سبب زندگی گناه‌آلود و هرزشان، اجتماع از آنها پرهیز می‌کند. امر طبیعی این است که از آنها باید دوری کرد، اما کار مسیحایی این است که این نوع اشخاص را جستجو کنیم و آنها را به توبه بکشانیم. آنها جان‌های گرانبهایی هستند که نجات‌دهنده به خاطر یک یک آنها مرد. معروف است که یکی از خادمان محترم مسیح لباس مندرس می‌پوشید و در محله‌های کثیف یک شهر بزرگ زندگی می‌کرد، فقط به منظور اینکه عیسی خداوند را به این مطرودان اجتماع معرفی کند.

۵– قربانی فاجعه. هر اجتماعی شامل خانواده‌هایی می‌باشد که دچار مصیبت و رحمت می‌شوند. یک مسیحی در چنین مواقعی باید به آنهایی که در اثر آتش‌سوزی صدمه دیده‌اند یا اموالشان به سرقت رفته، تصادف کرده‌اند و یا مرده‌اند مساعدت نماید.

۶– در خانواده خود برای نشان دادن مهربانی خود به دیگران، انسان نباید از کانون خانواده خودش غفلت کند.

بر ما امر شده که به والدین خود احترام بگذاریم، کارهایی در خانه وجود دارد که باید انجام شود و با توجه به این مسؤولیت‌ها باید مواظب باشیم. شهادتی ناخوشایند است که انسان در خارج مقدس باشد، ولی در خانه کافر. «اگر کسی برای خویشان و علی‌الخصوص اهل خانه خود تدبیر نکند منکر ایمان و پست‌تر از بی‌ایمان است» (اول تیموتاؤوس ۵: ۸). مطالب فوق، صرفا پیشنهاداتی چند برای اعمال خیر می‌باشد. اگر چیزهای دیگری به فکر شما می‌رسد، به این لیست اضافه کنید.

برای انجام نیکوکاری در زندگی خودتان پیشنهادات ذیل را سودمند خواهید یافت:

- در پی آن باشید که هر روز یک نوع عمل محبت‌آمیز انجام دهید. از خداوند برای این امر، فرصت و مجال بطلبید.

- در جستجوی فرصت برای انجام اعمال نیکو باشید. کارفرمایی با متقاضیان کار می‌خواست مذاکره کند. او تکه کاغذی مچاله شده را روی زمینی که باید از آنجا عبور می‌کردند عمدا انداخته بود تا ببیند آنها چه می‌کنند. شش نفر از روی آن راه رفتند و دستی به آن نزدند، هفتمی آن را برداشت و توی سطل آشغالی انداخت. کارفرما با دیدن این امر او را استخدام کرد.

- قلبا تمایل دارید که امر خیری را انجام دهید، هرگز امتناع نکنید یا حس انجام آن کار را در خود خفه ننماید. از عقیده مردم پیروی کنید «هر آنچه به شما گوید بکنید» (یوحنا ۲: ۵) و همچنین اخطار مؤثر یعقوب ۴: ۱۷ را به خاطر آورید. «پس هر که نیکویی کردن بداند و به عمل نیاورد او را گناه است.»

- تا آنجایی که می‌توانید اعمال نیکو را در نهان و بدون تظاهر انجام دهید. «پس چون صدقه دهی پیش خود کرنا منواز چنانکه ریاکاران در کنایس و بازارها می‌کنند تا نزد مردم اکرام یابند هر آینه به شما می‌گویم اجر خود را یافته‌اند، بلکه تو چون صدقه دهی دست چپ تو از آنچه دست راستت می‌کند مطلع نشود تا صدقه تو در نهان باشد و پدر نهان بین تو، تو را اجر خواهد داد» (متی ۴: ۲-۴). مهم نیست که مردم شما را تحسین کنند. امر مهم این است که خداوند را خشنود سازید.

- به آنهایی مهربانی کنید که نمی‌توانند جبران نمایند. «پس به آن کسی که از او وعده خواسته بود نیز گفت، وقتی که چاشت یا شام دهی دوستان یا برادران یا خویشان یا همسایگان دولتمند خود را دعوت مکن مبادا ایشان نیز تو را بخوانند و تو را عوض داده شود، بلکه چون ضیافت کنی فقیران و لنگان و شلان و کوران را دعوت کن که خجسته خواهی بود، زیرا ندارند که تو را عوض دهند و در قیامت عادلان به تو جزا عطا خواهد شد» (لوقا ۱۴: ۱۲-۱۴).

- به آنهایی مهربانی نشان دهید که از شما متنفرند و شما را جفا می‌رسانند. «پس اگر دشمن تو گرسنه باشد او را سیر کن و اگر تشنه است سیرابش نما، زیرا اگر چنین کنی اخگرهای آتش بر سرش خواهی انباشت» (رومیان ۱۲: ۲۰). در خصوص یکی از مردان بزرگ خدا گفته شده است: «مطمئن‌ترین طریق برای دریافت مهربانی نشان دادن خشونت نسبت به اوست.» آن مرد حقیقتا یاد گرفته بود که نجات‌دهنده را پیروی نماید در خلال جنگ، سربازی به خاطر شهادتش برای مسیح مورد ظلم و ستم قرار گرفت، یک شب گروهبانی چکمه گلی خود را به سوی آن مسیحی که در حال دعا بود، پرت کرد سرباز به دعای خود ادامه داده هنگام صبح گروهبان چکمه خود را کنار تختش دید که به طرزی زیبا واکس زده شده بود. این امر قلب او را شکست در همان روز نجات یافت.

- هر نوع استعداد و نعمت خدادادی که دارید به کار ببرید. «هر چه دستت به جهت عمل نمودن بیابد همان را با توانایی خود به عمل آور، چون در عالم اموات که به آن می‌روی نه کار و نه تدبیر و نه علم و نه حکمت است» (جامعه ۱۰ :۹). یک نخ و سوزن و یک خودنویس در دست یک مسیحی فداکار کارهای عظیمی برای خدا می‌تواند انجام دهد. کاری وجود دارد که هر یک از ما می‌توانیم انجام دهیم (به اعمال رسولان ۹: ۳۶ و ۳۹ رجوع شود).

- همه اعمال را در نام خداوند عیسی انجام دهید. «آنچه کنید در قول و فعل همه را به نام عیسی خداوند بکنید و

خدای پدر را به وسیله او شکر کنید» (کولسیان ۳: ۱۷).

برای صحبت کردن درمورد استاد خود یعنی عیسای مسیح از هر فرصت استفاده کنید یک دلال آهن در خرید و فروش عادت داشت سخت چانه بزند یک بار یک مسیحی را ملاقات کرد که می‌خواست آهن به او بفروشد. پس از اینکه درمورد قیمت موافقت شد، مسیحی چند دلار پول بیشتر به او داد و گفت: «می‌خواهم مقداری پول در نام عیسای مسیح خداوند به تو بدهم.» دلال که در حالت شگفتی فرو رفته بود، آن پول را پذیرفت، سپس رفت و در حالی که پشت سرش را می‌خاراند زیر لب زمزمه می‌کرد: «هیچ کس قبلا هیچ چیز در نام عیسای خداوند من نداده است.» هر کار نیکی که برای دیگران انجام شود بدون پاداش نخواهد ماند. نه فقط عوض آن چیز پس داده خواهد شد، بلکه پاداش همیشه بیشتر از خود خدمت خواهد بود.

پسری در نیویورک کیسه‌ای که در آن ۵۰۰ دلار بود پیدا کرد. در تردید بود که آن را به صاحبش برگرداند یا نزد خود نگه دارد. سرانجام عزمش را جزم کرد با وقار به طرف درب عمارت چند طبقه‌ای رفت زنگ زد و کیسه پول را به صاحب سپاسگزار آن پس داد. آیا می‌توانید تصور کنید که آن پسر بچه شادان چقدر مژدگانی به عنوان پاداش گرفت؟ نه ۱۰ دلار نه ۱۰۰ دلار نه حتی ۵۰۰ دلار بلکه هزار دلار به عنوان پاداش دریافت کرد او هرگز از تصمیم خود پشیمان نشد شما نیز اگر خودتان را وقف انجام اعمال نیکو کنید، هرگز پشیمان نخواهید شد.

درس پنجم: وقت رازگاه

عیسای خداوند در خلال وسوسه شدن خود در بیابان، اصلح عالی و با اهمیتی را برای زندگی بیان نمود. هنگامی که شیطان پیشنهاد کرد که وی برای برطرف کردن گرسنگی خود از سنگها نان به وجود آورد، او فرمود: «انسان نه محض نان زیست می‌کند، بلکه به هر کلمه که از دهان خدا صادر می‌گردد» (متی ۴: ۴). به عبارت دیگر، حیات انسانی تنها به سادگی در غذای جسمانی، چون نان و گوشت و سبزیجات بنا نگردیده «به هر کلمه که از دهان خدا صادر می‌گردد.» کتاب مقدس غذای روحانی ایمانداران است. بنابراین هر مسیحی جدی و وفادار هر روز وقت معینی را برای مطالعه کلام خدا که خوراک روحانی است سپری می‌کند. مدتی که برای این مقصود سپری می‌شود، به «وقت رازگاه» شناخته شده است. در این وقت مخصوص به وسیله کلام خدا و دعا با خدا راز و نیاز می‌کنیم. این موقع وقت بسیار با اهمیت و واجب است. چرا؟

۱- برای اینکه مسیح همیشه منتظر شراکت روحانی با ماست. ویلسون کاش می‌گوید: «من ایمان دارم در هر کجا به راز و نیاز با مسیح می‌پردازیم او همانجا در انتظار من خواهد بود. وقت راز و نیاز محل معین ملاقات من با خداست و هر بامداد او در آن موقع منتظر من می‌باشد. اغلب اوقات ایمانداران با راز و نیاز نکردن او را مأیوس می‌کنند، اما اگر شما به خود بگویید خداوند من در آنجا انتظار ملاقات مرا می‌کشد، یک دنیا فرق می‌کند. اگر خدا آنجاست مهم نیست که احساسات من چگونه است. پس به آرامی بنشینید و ایمان خود را نسبت به او در حضورش اعتراف نمایید.»

۲- بدون راز و نیاز، حیات روحانی شما پژمرده می‌گردد. سیسیل یکی از ایمانداران مشهور و قدیمی گفته است: «من به همه کس و همه جا می‌گویم، شما باید با خدا راز و نیاز داشته باشید وگرنه روحتان پژمرده می‌شود. باید با خدا قدم بزنید وگرنه شیطان با شما راه می‌رود. باید در فیض رشد کنید وگرنه آن را از دست خواهید داد و شما قادر نیستید این عمل را انجام دهید مگر به وسیله اختصاص دادن وقتی کافی برای راز و نیاز.»

۳- با راز و نیاز، حیات روحانی شما همیشه شاد می‌ماند. ژرژ مولر، مؤسس بعضی از پرورشگاه‌های بزرگ مسیحی در انگلستان اینطور شهادت می‌دهد: «خداوند صلاح دانسته که چهارده سال پیش حقیقتی را به من بیاموزد که هنوز در من اثر دارد. آن حقیقت این بود که من واضح‌تر از پیش دیدم که اولین و بزرگترین و مقدم‌ترین کاری را که من باید هر روز انجام دهم این بود که روحم را در خداوند شاد گردانم. اولین چیزی که می‌بایست مورد توجه من قرار گیرد این نبود که من چقدر به خدا خدمت کنم، بلکه چطور می‌توانم خود را در خداوند شاد سازم و چطور می‌توانم شخصیت درونم را در او تقویت کنم.»

به سهولت مشاهده خواهد شد که وقت رازگاه تنها مطالعه کتاب مقدس نیست. هنگام مطالعه کتاب مقدس ما در جستجوی تعیین کردن مفاهیم موشکافی کلمات، فصل‌ها و رساله‌ها هستیم، اما در هنگام راز و نیاز روزانه در طلب سکوت در مقابل خدا هستیم به منظور اینکه او به وسیله کلامش با ما صحبت کند. برای روش صحیح راز و نیاز چند پیشنهاد ارائه می‌دهیم.

۱- با دعا شروع کنید. سعی کنید که کار روزانه و تمام چیزهایی که باید انجام شود را فراموش کنید. به آرامی بنشینید و زندگی خود را به دست خدا بسپارید. «ای خداوند صبحگاهان آواز مرا خواهی شنید. بامدادان (دعای خود را) نزد تو آراسته می‌کنم و انتظار می‌کشم» (مزمور ۵: ۳). «دعای من به حضور تو مثل بخور آراسته شود و برافراشتن دست‌هایم مثل هدیه شام» (مزمور ۱۴۱: ۲).

۲- قسمت کوتاهی از کتاب مقدس را انتخاب کنید. شاید به جای اینکه آیاتی از فصل‌های پراکنده بخوانید، بهتر است که از اول یکی از کتب کتاب مقدس شروع کنید و هر روز مقداری از آن کتاب را بخوانید.

۳- آن قسمت را با دقت و با تفکر روشن‌بینی بخوانید. در این مورد ژرژ مولر نوشته است: «کم دیدم که مهم‌ترین

چیزی که باید انجام می‌دادم این بود که نتیجه‌گیری کنم. منظور از این کار این بود که قلبم تشویق شود، آگاه گردد، اصلاح شود و تعلیم یابد. به این ترتیب هنگام تفکر درباره کلام خدا، قلبم ارتباطی تجربی با خداوند برقرار می‌نماید. «سخنان زبانم و تفکر دلم منظور نظر تو باشد، ای خداوند که صخره من و نجات‌دهنده من هستی» (مزمور ۱۹: ۱۴).

۴- کاملا آن را هضم کنید. اجازه بدهید که خدا به وسیله کلام خود با شما صحبت کند و ویلسون کاش گفته است، امری که مرا خیلی زیاد کمک می‌کند این است که به آرامی بنشینم و شاهراه وجودم را برای نفوذ روح‌القدس بگشایم. آن وقت به او بگویم که تمام زنجیرها و موانع رشد روحانی باید از من دور شوند و هر روز او زندگی، وقت، استعداد، اراده مرا و همه چیز مرا به خود تعلق دهد.» ژرژ مولر باز گفته است: «نتیجه‌ای که تقریبا همیشه از کلام خدا می‌گیرم این است که پس از چند دقیقه‌ای جان من به سوی اعتراف، سپاس، شفاعت، طلب کمک برای دیگران کشانده می‌شود، گرچه عمدا خود را به دنیا نمی‌سپارم، بلکه به تفکر می‌پردازم هنگامی که برای مدتی به این ترتیب اعتراف می‌کنم یا شفاعت می‌نمایم یا طلب کمک برای دیگران می‌کنم یا سپاس می‌گویم، به کلمات یا آیات بعدی می‌پردازیم همانطوری که به این امور ادامه می‌دهیم همه را برای خود و دیگران به دعا مبدل می‌کنم تا آنجایی که کلام خدا هدایت می‌کند، در عین حال فراموش نمی‌کنم که منظور اصلی تفکرم دعا نبوده، بلکه یافتن غذای روحانی برای وجود خودم می‌باشد.»

۵- تفکرات خود را درمورد آنچه که می‌خوانید در دفترچه‌ای یادداشت کنید. در حالی که کلام خدا را با دقت مطالعه می‌کند، خداوند بسیاری از حقایق شیرین روحانی را برای شما آشکار خواهد کرد که هرگز مایل به فراموش کردن آن نیستند.

۶- در طی روز تفکرات خود را با دیگران در میان بگذارید. این امر مفهوم آن حقایق را در حافظه شما عمیق‌تر می‌کند و به دیگران فرصتی می‌دهد تا در برکاتی که شما یافته‌اید شریک شوند. «آنگاه ترسندگان خداوند با یکدیگر مکالمه کردند و خداوند گوش گرفته ایشان را استماع نمود و کتاب یادگاری به جهت ترسندگان و به جهت آنانی که اسم او را عزیز داشتند مکتوب شد» (ملاکی ۳: ۱۶)، اما کار آسانی نیست که وقت مخصوصی برای راز و نیاز در نظر بگیریم و از روی غیرتعمدی آن را هر روز حفظ کنیم.

- **سرعت زندگی ماشینی.** وظایف و مسؤولیت‌های زندگی بر ما فشار می‌آورد. خیلی مشتاقیم که این وظایف را هر چند زودتر انجام دهیم و روی همین اصل از کلام خدا غفلت می‌کنیم. «پس خود را حفظ کند مبادا دل‌های شما را از پرخوری و مستی و اندیشه‌های دنیوی سنگین گردد و آن روز ناگهان بر شما آید» (لوقا ۲: ۳۴).

- **عدم انضباط.** بامدادان از خواب برمی‌خیزیم در حالی که احساس کوفتگی و سنگینی می‌کنیم. کمی خواب فوق‌العاده، ما را از راز و نیاز محروم می‌کنند. «روح راغب است، لیکن جسم ناتوان» (متی ۲۶: ۴۱).

- **پریشانی فکری.** انواع افکار در میان کله ما گردش می‌کنند. تمرکز افکار غیرممکن به نظر می‌آید.

- **خواندن بدون درک.** مشکل است و تقریبا غیرممکن است که انسان اندیشه کند بدون اینکه درک نماید. برای رفع اشکال یک تفسیر و کشف‌الایات مفید خواهد بود. اگر بتوانید به وسیله کمک خدا بر اینگونه موانع پیروز گردید و هر روزه وقت معینی را در خواندن کلام خدا سپری کنید، شخص مفیدی برای خدا بوده و مسیحی شادتری خواهید بود. دیگران می‌توانند ببینند که شما با عیسی هستید. «پس چون دلیری پطرس و یوحنا را دیدند و دانستند که مردم بی‌علم و امی هستند تعجب نکردند و ایشان را شناختند که از همراهان عیسی بودند» (اعمال رسولان ۴: ۱۳). «اگرچه خودتان آگاه نخواهید بود که چهره شما می‌درخشد» و چون موسی از کوه سینا به زیر می‌آمد و دو لوح سنگی در دست موسی بود هنگامی که از کوه به زیر می‌آمد واقع شد که موسی ندانست که به سبب گفتگوی با او پوست چهره وی می‌درخشید (خروج ۳۴: ۲۹).

درس ششم: ثمره روح

توجه: به اضافه این درس خواهشمند است غلاطیان ۵: ۲۲ و ۲۳ را از بر کنید. یکی از سؤالات پرسش‌نامه این است که شما آیات مزمور را از بر بنویسید. هنری درامونَد یک روز نوشت: «به مثال مسیح شدن تنها امر شایسته در دنیاست.» در مقابل این امر انسان باید پی ببرد که جاه‌طلبی‌اش ابلهانه بوده و تمام هدف‌های دنیوی‌اش به بیهودگی می‌گراید.» یکی از مأموریت‌های روح‌القدس این است که مسیح را در قلب هر ایمانداری هویدا سازد. هنگامی که ایماندار اختیار تام به روح‌القدس بدهد، آنگاه روح‌القدس فیوضات و رفتار پسندیده که به «ثمره روح» شناخته شده در او بارور می‌سازد. همچنان که شاخه‌های یک درخت مو از خود درخت، حیات و غذا می‌گیرد تا میوه بدهد، همانطور مسیحیان نیز با ساکن شدن در مسیح میوه روحانی که در ذیل آمده به بار می‌آورند. «من تاک هستم و شما شاخه، آنکه در من می‌ماند و من در او میوه بسیار زیرا که جدا از من هیچ نمی‌توانید کرد» (یوحنا ۱۵: ۵).

۱– محبت

یکی از تعریف‌های محبت در اول قرنتیان فصل سیزدهم یافت می‌شود. این محبت کاملا در خداوند ما عیسای مسیح متجلی شد. به این ترتیب شما می‌توانید در آیات ۸-۴ این فصل به جای کلمه «محبت» اسم «مسیح» را قرار دهید و مشاهده خواهید نمود که فصل مزبور چقدر عالی خوانده می‌شود. برای دریافتن این امر که آیا قلب شما از زیبایی محبت تزیین شده یا خیر، می‌توانید به جای کلمه «محبت» اسم خودتان را قرار دهید و آنگاه ببینید که آن آیات چطور خوانده می‌شود، «محبت حلیم و مهربان است، محبت حسد نمی‌برد، محبت غرور ندارد و اطوار ناپسندیده ندارد و نفع خود را طالب نمی‌شود، خشم نمی‌گیرد و سؤظن ندارد، از ناراستی خوشوقت نمی‌گردد، ولی با راستی شادی می‌کند در همه چیز صبر می‌کند و همه را باور می‌نماید. در همه حال امیدوار می‌باشد و هر چیز را متحمل می‌باشد. محبت هرگز ساقط نمی‌شود و اما اگر نبوت‌ها باشد نیست خواهد شد و اگر زبان‌ها انتها خواهد پذیرفت و اگر علم زائل خواهد گردید» (اول قرنتیان ۱۳: ۸-۴). منتهای نمونه محبت بر صلیب جلجتا یافت می‌شود. جایی که پسر بی‌گناه خدا برای دنیای جسور و یاغی جان سپرد. «هیچ محبتی نمی‌تواند با محبت او برابری نماید.» هنگامی که پولس رسول آیه ذیل را برای قرنتیان به تحریر درآورد، معلوم است که ثمره روح در زندگی او بارور شده بود. من به کمال خوشی برای جان‌های شما صرف می‌کنم و صرف کرده خواهم شد اگر شما را بیشتر محبت نماییم آیا کمتر محبت خواهم گرفت.»

۲ – شادی

این کلمه اشاره به خوشدلی و سبکسری از روی احساسات نبوده، بلکه خرسندی درونی و خشنودی عمیق با خدا و شراکت با وی می‌باشد. «در خداوند همیشه شاد باشید و باز می‌گویم شاد باشید» (فیلیپیان ۴: ۴). بنابراین، اگرچه عیسی خداوند «صاحب غم‌ها» بود، ولی در هر لحظه از حیاتش شادی حقیقی وجود داشت. شادی او هم به زمان حال ارتباط داشت و هم به آینده نسبت به حال می‌توانست بگوید. «خوراک من آن است که خواهش فرستنده خود را به عمل آورم و کار او را به انجام رسانم» (یوحنا ۴: ۳۴). آنگاه نسبت به آینده از برای او نوشته شد، «که به جهت آن خوشی که پیش او موضوع بود (در مقابلش قرار گرفته بود) بی‌حرمتی ناچیز شمرده متحمل صلیب گردید و به دست راست تخت خدا نشسته است» (عبرانیان ۲: ۲). شادی در قلب پولس و سیلاس وجود داشت، حتی هنگامی که فدرفیلپس به زندان انداخته شدند. «اما قریب به نصب شب پولس و سیلاس دعا کرده خدا را تسبیح می‌خواندند و زندانیان ایشان را می‌شنیدند» (اعمال رسولان ۱۶: ۲۵).

۳ – سلامتی

این کلمه اشاره به آرامش و آسودگی در دین است که شخص متوکل را بر آن می‌دارد تا بر اوضاع زندگی تسلط یابد و خدا را همانند کسی که اجازه می‌دهد، دستور صادر می‌نماید و برای همه تکلیف تعیین می‌کند معرفی می‌نماید. «سلامتی خدا که فوق از تمامی عقل است دل‌ها و ذهن‌های شما را در مسیح عیسی نگاه خواهد داشت» (فیلیپیان). نجات‌دهنده تصویری دل‌انگیز در لوقا ۸: ۲۵-۲۲ به ما می‌نمایاند. زورق در اثر طوفان متلاطم شده شاگردان هراسان گردیدند و عملا دچار تشنج شدند، اما خداوند عیسی خواب بود. او کاملا آرام بود. ما باید از سلامتی خود لذت ببریم،

زیرا آن سلامتی است که او خود چون یک انسان از آن در این دنیا بهره‌مند گردید. «و سلامتی خدا در دل‌های شما مسلط باشد که به آن هم در یک بدن خوانده شده‌اید و شاکر باشید» (کولسیان ۳: ۱۵). سلامتی او بر آنانی که در یهوه ثابت می‌مانند وعده داده شد (اشعیا ۲۶: ۳) و روح خدا در طلب آن است که این سلامتی را در هر یک از فرزندان خدا توسعه دهد. در اینجا لازم است اضافه کنیم که سلامتی نیز به معنی هماهنگی و ارتباطی است بین یک نفر مسیحی با کسانی که تماس دارد مخصوصا با برادران مسیحی.

۴ – بردباری (حلم)

یعنی صبر و حوصله. قدرت تحمل پریشانی و غم‌زدگی بدون گله و شکایت، تحمل امور غلط بدون تلافی کردن، ناراحت شدن بدون خشم ورزیدن (افسسیان ۴: ۲). این بردباری فرزند خدا بود که او را قادر ساخت تا بر فراز صلیب دست به دعا گشاید و بگوید: «پدر اینها را ببخش، زیرا نمی‌دانند که چه می‌کنند» (لوقا ۲۳: ۳۴). صبر ایوب ضرب‌المثلی است معروف. «اینک صابران را خوشحال می‌گوییم و صبر ایوب را شنیده‌اید و انجام کار خدا را دانسته‌اید، زیرا که خداوند به غایت مهربان و کریم است» (یعقوب ۵: ۱۱).

۵ – مهربانی

کیفیت محافظه‌کاری، کار عیسی خداوند را به یاد ما میندازد. در موقعی که مادران کودکان خود را نزد او می‌آورند و شاگردان از این کار ممانعت کردند. عیسی رو به شاگردان کرده گفت، بگذارید که بچه‌های کوچک نزد من آیند و ایشان را مانع نشوید، زیرا ملکوت خدا از امثال اینهاست (مرقس ۱۰: ۱۴). او همیشه آماده ملاقات بود، همیشه به ملایمت رفتار می‌کرد، به آرامی سخن می‌گفت و مؤدب و ملایم بود در محیطهای دنیوی، این نوع مهربانی اغلب به حساب علامت ضعف گذاشته شده، ولی این امر برای مسیحیان علامت عظمت است. «با یکدیگر مهربان باشید و رحیم و همدیگر را عفو نمایید، چنانکه خدا در مسیح شما را آمرزیده است» (افسسیان ۴: ۳۲ همچنین به مزمور ۱۸: ۲۵ رجوع شود).

۶ – نیکویی

داستان سامری نیکو به ما می‌گوید که نیکویی واقعی چیست (لوقا ۱۰: ۲۵-۳). نیکویی عبارت است نشان دادن مهربانی و شفقت به دیگران در نام مسیح، خوبی کردن به آنهایی که نمی‌توانند جبران نمایند و زندگی کردن در خدمت برای آنهایی که از هر جهت نیازمندند.

۷ – ایمان

چندین معنی ممکن است با این کلمه نسبت داشته باشد:

- الف- ایمان به خدا- اطمینانی آرام، استوار به محبت خدای پدر (مرقس ۱۱: ۲۲).
- ب- ایمان به دیگران- آمادگی برای باور کردن حرف‌های نیکو در خصوص دیگران و شک و تردید در قبول کردن حرف‌های شرارت بار نسبت به آنها.
- ج- درست پیمانی و وفاداری- وفادار بودن در قول خدا و درستکاری در عمل و معتمد بودن در همه چیز.

۸ – فروتنی (تواضع)

هنگامی که عیسی حوله به کمر بست و پای شاگردانش را شست سرمشقی از افتادگی و فروتنی به ما داد که هرگز نمی‌توانیم آن را فراموش کنیم (یوحنا ۱۳: ۷-۱). اگرچه او نیروهای بی‌انتهای خدایی در اختیار داشت، با این وجود حقیقتا متواضع بود او هرگز در جستجوی جا و مکانی برای خویشتن نبود. حتی درباره خود نمیندیشید، بلکه پایین‌ترین مکان را اختیار می‌کرد. در اول تیموتاؤوس ۶: ۱۱ می‌خوانیم: «ولی تو ای مرد خدا، از اینها بگریز و عدالت و دینداری و ایمان و محبت صبر و تواضع را پیروی نما.»

۹ – پرهیزکاری

این کلمه اشاره به کنترل نفس می‌باشد. این امر مخصوصا به هوی و هوس و خواسته‌های نفس بستگی دارد. ما باید پاکدامن باشیم، از شهوات جسم پرهیز کنیم و در هر کاری میانه‌روی را اختیار نماییم. مسیحیت باید مفهوم، انضباط را بداند. اگر می‌خواهیم قدرتی را که خدا به ما داده به طور شایسته به کار اندازیم، آنگاه باید با ارتباط روح‌القدس آن

کار را تحت تسلط اراده خود بیاوریم، هیچ عادت شیطانی نباید ما را در چنگال خود بگیرد. مرحوم رابرتس چاپمن اهل بارنستیل انگلستان عات داشت بگوید: «چون می‌بینیم که بسیاری مسیح را وعظ می‌کنند و عده قلیلی مسیح را به دیگران می‌نمایانند، اما هدف من این است که مسیح را به دیگران مجسم کنیم.» ج. ا. ن دربی، یکی از بزرگان کلیسای برادران درمورد چاپمن گفت: «او آنچه تعلیم می‌داد به همان طریقه زندگی می‌کرد.» در خصوص ویلیام آرتوت گفته شد، وعظش خوب بود نوشتنش بهتر بود، ولی زندگی‌اش از همه بهتر بود. ثمره روح در حیات مردان فوق تجلی کرد. منتهای آرزوی ما این است که خدای قادر مطلق، مسیح را در ما تجلی دهد.

درس هفتم: استفاده از وقت

«ارزش وقت تنگ است» (اول قرنتیان ۷: ۲۹). ممکن است که ما به دو طریق وقت را تنگ بدانیم وقت تنگ است یا اینکه تنگ می‌شود، زیرا مسیح به زودی رجعت می‌کند. از آنجایی که وقت بسیار کمی برای خدمت خداوند در این زمین باقی مانده، پس لازم است که آن را به بهترین وجه به کار بریم. زمان در برابر ابدیت کوتاه است. آیات متعددی در کتاب مقدس به یاد ما میندازد که این زندگی کوتاه است و به زودی درمی‌گذرد. مسیحیان وقت را همواره باید همانند کالای گرانبهایی بدانند که فقط برای مدت کوتاه به آنها سپرده شده است. ما باید ناظرانی امین در «صرف کردن» وقت خود باشیم. در سرزمین‌هایی که دستمزد و حقوق‌ها بالا است، ارزش واقعی وقت به خوبی شناخته شده است. در کشورهایی که در سطح پایین‌تری قرار دارند، برای وقت همیشه به طوری که باید و شاید ارزش قائل نمی‌شوند.

وقت تنگ است، بنابراین با ارزش و مهم است. «وقت را دریابید» (افسسیان ۵: ۱۶ و کولسیان ۴: ۵). این عبارت در یکی از تفسیرهای عهد جدید اینطور ترجمه شده «از وقت حداکثر استفاده را بکنید» و ادوین می گوید: «برای از دست ندادن فرصت، آن را غنیمت شمارید به بهترین وجه از آن استفاده کنید، زیرا که فرصت از دست رفته باز نمی‌آید.» ایمانداران می‌باید از وقت خود حداکثر استفاده را ببرند، زیرا که «این روزها شریر است.» «مثل آب هستیم که به زمین ریخته شود» (دوم سموئیل ۱۴: ۱۴). از وقت باید با دقت استفاده شود، زیرا آنچه را که از دست بدهیم و تلف کنیم دوباره بدست نخواهیم آورد. روزهایی را که گذشت دیگر نمی‌توانیم آنها را تکرار کنیم و بدست آوریم. پس امروز استفاده‌ای نیک ببریم، زیرا که این روز را دیگر نخواهیم داشت.

استفاده از وقت

در حدود یک سوم وقت ما در استراحت و خواب می‌گذرد. به موجب اینکه از بدن خود به طور کامل مواظبت به عمل آوریم لازم است که زمانی را بخوابیم. قسمتی از روز باید برای لباس پوشیدن و غذا خوردن اختصاص داده شود. اغلب مردم باید چند ساعت هر روز در تحصیل معاش سپری کنند. همه اینها چیزهایی است که ضروری است یک ایماندار برای خود و خانواده‌اش باید کار کند (دوم تسالونیکیان ۳: ۸–۱۲، اول تسالونیکیان ۴: ۱۱و ۱۲، اول تیموتاؤوس ۵: ۸). اغلب مردم پس از انجام تمام وظایف روز باز وقت آزاد برایشان باقی می‌ماند و طریقه‌ای که یک ایماندار از وقت آزاد خود استفاده می‌کند آزمایشی است بر سیرت مسیحی او. جای تأسف است که فرزند خدا اوقات گرانبهای خود را به بیکاری و چیزهای بی‌فایده به کار می‌برد. کتاب مقدس تنبلی و کاهلی را گناه دانسته که باید از آن اجتناب شود. (امثال ۶: ۶ و ۹، ۱۸: ۹، ۱۹: ۱۵ و ۲۴، ۳۰: ۳۴، ۲۶: ۱۳ بنابراین تنبل نباشیم. عبرانیان ۶: ۱۲، رومیان ۱۲: ۱۱). خدا نمی‌خواهد مردم تنبل را برای کار خود به کار ببرد.

چند پیشنهاد عملی

از آنجایی که وجود ما شامل بدن، فکر و روح است اینک طرز استفاده از اوقات خود را نسبت به احتیاجات جسمانی و عقلانی و روحانی مورد بررسی قرار می‌دهیم.

- **الف– جسمانی.** آنهایی که گرفتار کارهای بدنی نیستند تا اندازه‌ای احتیاج به ورزش دارند. ورزش بدنی اندک فایده‌ای دارد (اول تیموتاؤوس ۴: ۸). بدن ایماندار به خدا تعلق دارد (اول قرنتیان ۶: ۱۹ و ۲۰) و باید از آن مواظبت شود از زیاده‌روی اجتناب ورزید. نه زیاد ورزش کنید نه کم. ورزش‌ها و تمرینات بدنی هر کدام به نوبه خود ارزش دارند، ولی هر چیز به جای خویش نیکوست. در این کارها زیاده‌روی نکنید که باعث افتادن زندگی روحانی شما گردد از مصاحبت و مجامع دنیوی برحذر باشید. روزهای یکشنبه مسیحیان به خاطر شهادت خودشان نباید به تفریح بروند. روز خداوند باید به خداوند و خدمت او اختصاص داده شود. لازم نیست که در این مورد مقرراتی باشیم. بگذارید که روز اول هفته با خوشحالی و مسرت و خدمت خداوند از روی میل پر شود آنگاه وقت برای بازی نخواهیم داشت.

- **ب– عقلانی.** فکر ایماندار باید تمرین داشته باشد. اگرچه طبق کلام خدا، «مطالعه زیاد تعب بدن است» (جامعه ۱۲: ۱۲)، ولی می‌دانیم که مطالعه تا حدی سودمند است به ما گفته شده که «خود را به خواندن و نصیحت و تعلیم بسپار» (اول تیموتاؤوس ۴: ۱۳). آنچه را می‌خوانید، اطمینان حاصل نمایید که مفید و سودبخش باشد. در هر جا که فرصتی دست دهد، خود را با مطالعه کتب مشغول کند از قبیل شرح حال مردان و مؤمنان خداپرست که با تفاسیر کتاب مقدس منطبق است، مثل کتاب «سیاحت مسیحی» به قلم جانبانیان (این کتاب بعد از کتاب مقدس پرفروش‌ترین کتاب بوده است). از مطالعه کتب و مطبوعات مضر اجتناب ورزید. از قبیل رمان‌ها و افسانه‌های پست، مجلاتی که باعث تحریک جسم به کارهای آلوده می‌گردد. «عیسای مسیح خداوند را بپوشید و برای شهوات جسمانی تدارک ببینید» (رومیان ۱۳: ۱۴).

همچنین مطبوعات مذهبی که حقایق مسیحیت را انکار می‌کند نباید مطالعه کرد. هر نشریه‌ای باید با محک حقیقت؛ یعنی کتاب مقدس سنجیده شود. در استفاده کردن از افسانه و مجلات عمومی مواظب باشید. این چیزها وقت می‌گیرند که همان وقت ممکن است در راه بهتری به کار رود. رادیو و فیلم‌های آموزشی اخیرا در تعلیم و تربیت بشر نقش ارزنده‌ای را بازی می‌کنند. حتی در این چیزها مسیحی باید دقت کند که انتخاب کدام یک رشد روحانی را مختل نمی‌کند. حتی برنامه‌های روحانی رادیویی جای مطالعه شخصی کتاب مقدس را نمی‌گیرد. اکثر مردم در کارهای ذوقی از قبیل عکاسی یا کارهای هنری با جمع کردن تمبر خود را مشغول می‌کنند. این چیزها تا زمانی که کارهای ذوقی هستند خوبند، ولی نه اینکه مانع دینی گردند. نباید بگذارید که یک کار ذوقی روحانیت شما را خراب کند. «به شایستگی آن دعوتی که به آن خوانده شده‌اید رفتار کنید» (افسسیان ۴:۱). گاهی اوقات این نوع کارها در مساعدت کار خداوند به کار می‌آید.

- **ج– روحانیت.** هر فرصتی که پیش آید، باید آن را در پرورش رشد روحانی به کار انداخت. مقداری از وقت آزاد ما باید به راز و نیاز شخص داده شود (رجوع شود به درس پنجم) شایسته است که برنامه‌ای مخصوص برای مطالعه کتاب مقدس تعیین شود. تا زمانی که برنامه‌ای مشخص نداشته باشیم خواهیم دید که فعالیت‌های اجتماعی فرصت را از دست ما خواهد گرفت. ایماندار باید برنامه‌هایی تنظیم کند که در جلسات محلی شرکت جوید. ما برای مطالعه کتاب مقدس و دعا احتیاج داریم که گرد هم جمع شویم (به عبرانیان ۱۸: ۱۹ و ۲۰ و عبرانیان ۱۰: ۲۵ رجوع شود). از تفریحات و معاشرت‌هایی که زندگی روحانی شما را در هم می‌ریزد اجتناب کنید. انتخاب تفریح‌ها در اوقات بیکاری نشان می‌دهد که شما چه نوع مسیحی هستید.

درس هشتم: پیشقدم در کار بشارت

مسیحیان جدی در امور بشارت علاقه‌مندند. آنها به آن نکته پی می‌برند که مسیحیت مذهب بشارت است. چنانچه انجیل می‌فرماید: «پس عیسی پیش آمده به ایشان خطاب کرده گفت تمامیت قدرت در آسمان و بر زمین به من داده شده است. پس رفته همه امت‌ها را شاگرد سازید و ایشان را به اسم اب و ابن و روح‌القدس تعمید دهید. ایشان را تعلیم دهید که همه اموری را که به شما حکم کرده‌ام حفظ کنند و اینک من هر روز تا انقضای عالم همراه شما می‌باشم، آمین» (متی ۲۸: ۱۸-۲۰). اگر دیگران پیام انجیل را به ما نمی‌رساندند چطور ما نجات می‌یافتیم؟ ما به این نکته پی می‌بریم که دینی نسبت به همنوعان خود به گردن داریم که باید بپردازیم. چنانچه پولس رسول فرمود: «زیرا که یونانیان و بربریان و حکما و جهلا را هم مدیونم. پس همچنین به قدر طاقت خود مستعدم که شما را نیز که در رو هستید بشارت دهم» (رومیان ۱: ۱۴-۱۵). پس از شناخت دین خود نسبت به همنوعان، با این سؤالات مواجه می‌شویم، «درمورد کار بشارت چطور می‌توانیم بیشتر یاد بگیریم؟ و چطور می‌توانیم بیشتر کمک کنیم؟» از میل واقعی که برای دانستن جواب این سؤال‌ها در ما وجود دارد، هفت قدم ذیل تا حدی زیاد کمک خواهد کرد.

۱- باید سعی کنیم مقصود خدا را در این عصر بفهمیم. بعضی‌ها خیال می‌کنند، مقصود خدا این است که تمام اهالی دنیا مسیحی شوند، ولی هدف خدا در این عصر چنین نیست. او اکنون قومی را از تمام نقاط جهان برای خود جمع می‌نماید. «شمعون بیان کرده است که چگونه خدا و اول امت‌ها را تفقد نمود تا قومی از ایشان به نام خود بگیرد» (اعمال رسولان ۱۵: ۱۴). تمام ایمانداران حقیقی از هر نقطه جهان در نظر خدا یک بدن هستند و کلیسای حقیقی او را تشکیل می‌دهند.

۲- باید پی ببریم که مسؤولیت عمده بشارت هر کشوری با مسیحیان همان کشور است. ممکن است که مسیحیان خارجی برای کار بشارت کمک کنند، ولی مسیحیان ایرانی باید وظیفه خود را برای بشارت درک کنند و به همنوعان خود بشارت دهند.

۳- باید ایمان داشته باشیم که خدا هرگز وظیفه‌ای به کسی محول نمی‌کند مگر آنکه وسایل انجام آن را فراهم نماید. اعمال رسولان ۱: ۸ راجع به توسعه بشارت که مسیح به رسولان خود دستور داد اینطور می‌گوید: «لیکن چون روح‌القدس بر شما آید قوت خواهید یافت و شاهدان من خواهید بود در اورشلیم و تمامی یهودیه و سامره و تا اقصای جهان.» ملاحظه کنید که نقشه خدا برای بشارت رسولان به این طریق بود.

الف- در اورشلیم مرکز وطنشان.
ب- در یهودیه - دهکده‌های اطراف آن.
ج- در سامره ناحیه‌ای دیگر که آغاز کار بشارت حواریون از آنجا بود.
ه- دورترین قسمت‌های جهان نیز محل فعالیت آنها بود.

از این نقشه پی می‌بریم که خواسته خدا این بود که بشارت انجیل به تمام جهان برسد. به همین طریق در ایران نیز مسؤولیت مأموریت باید به عهده ایمانداران باشد. ابتدا شهادت باید از خود محل زندگی شروع شود. آن وقت باید به دهکده‌های مجاور رفت سپس به استان‌های دیگر و نواحی هم زبان باید رسید. آنگاه باید با هدایت خدا به نقاط دور حتی به کشورهای خارجی رفت تا مأموریت کامل انجام شود. در انجام تمام کار عظیم بشارت، روح‌القدس سرچشمه قدرت اوست.

۴- باید دعا کنیم. این است طریقه برگزیده خدا برای فرستادن خادمانش برای بشارت. عیسی خداوند قبل از فرستادن دوازده شاگردش برای کار بشارت در متی ۹: ۳۷ به این طریق دستور می‌دهد: «آنگاه به شاگردان خود گفته حصاد فراوان است، لیکن عمل کم. پس از صاحب حصاد استدعا نمایید تا عمله در حصاد خود بفرستد.» مسیح همین دستور را در فرستادن هفتاد نفر از پیروانش متذکر شد. به لوقا ۱۰: ۱-۲ رجوع کنید. ما نیز باید دعا کنیم اگر

قرار است که خادمینی برای کار خدا برخیزند، از همه نیکوتر این است که نام خادمین خداوند را هنگام دعا ذکر کنیم. بعضی از این اشخاص ممکن است در نقاط دوردستی باشند و به دعای ما احتیاج داشته باشند.

خیلی سودمند خواهد بود که برای احتیاجاتی که می‌دانیم وجود دارد، دعا کنیم. مثلا می‌توانیم برای هزاران روستای ایران دعا کنیم که بسیاری از آنها بدون انجیل و شهادت هستند. همچنین برای نقاطی که می‌دانید انجیل هنوز به آنجا نرسیده دعا کنید. یک نقشه دنیا همیشه در کارگاه ویلیام کاری آویزان بود. همچنان که او کار می‌کرد برای احتیاجات دنیا نیز دعا می‌کرد بعدها او هدایت شد که به هندوستان برود و کار شگفت‌انگیز انجام دهد، شاید برای ما نیز سودمند باشد که نقشه دنیا روی دیوار آویزان بکنیم که بعضی از احتیاجات عظیم دنیا را به خاطر بیاورد. برای اینکه قادر باشیم که مرتب دعا کنیم، درست کردن صورتی از خادمینی که با آنها آشنایی داریم به ما کمک خواهد کرد. همچنین نشریاتی موجود است که اخبار کار بشارت و خادمین مسیح را در نقاط مختلف دنیا گزارش می‌دهد این چیزها ممکن است باعث شود که دعاهای ما برای کار خدا مؤثر واقع گردد.

۵– می‌توانیم برای دوستان خود که از قوم و خویش هستند نامه بنویسیم. آنهایی که همواره در وطن برای خداوند کار می‌کنند اغلب احساس تنهایی می‌نمایند و دوست دارند بشنوند که شخصی برای آنها دعا می‌کند. باید در نامه‌های خود از ایشان سؤال کنیم که چه پیشنهادی برای دعا دارند بعضی از ایمانداران جدید با بیماری و ناراحتی اشخاص به راستی رضایت‌بخش است. گاهی اوقات یک نامه آغاز ارتباط است که زندگی روحانی ما را توسعه می‌دهد و کمکی در کار خداوند خواهد بود.

۶– برای بشارت می‌توانیم پول هدیه کنیم. برای توسعه کار بشارت احتیاج است که مسیحیان کمک مادی کنند، زیرا این کار وسیله‌ای برای سهیم بودن در رساندن انجیل به دیگران است که سه نتایج ذیل را بار می‌آورد.

- الف– این امر به کار خداوند کمک می‌کند. «اما ای فیلپیان شما هم آگاهید که در ابتدای انجیل چون از مکادونیه روانه شدم هیچ کلیسا در امر دادن و گرفتن با من شراکت نکرد جز شما و بس، زیرا که در تسالونیکی هم یک دو دفعه برای احتیاج من فرستادید» (فیلیپیان ۴: ۱۸).

- ب– باعث تشویق خادمین خدا می‌گردد. «ولی همه چیز بلکه بیشتر از کفایت دارم. برگشته‌ام، چونکه هدایای شما را از اپفرودتس یافته‌ام که عطر خوشبوی قربانی مقبول و پسندیده خداست» (فیلیپیان ۴: ۱۸).

- ج– پاداشی غنی برای خود بیندوزیم. زیرا خدا بی‌انصاف نیست که عمل شما و آن محبت را که به اسم او از خدمت مقدسین که در آن مشغول بوده و هستند ظاهر گردیده‌اید فراموش کند» (عبرانیان ۸: ۱۸).

باید هرگونه مواظبت ممکن به وسیله ما کرده شود تا ببینم آیا هدایای ما به آنهایی که در ایمان صادق هستند و به انجیل وعظ می‌کنند فرستاده می‌شود یا خیر. هنگامی که هدیه‌ای می‌دهیم، باید سخاوتمندانه بدهیم. «اما خلاصه این است هر که با بخیلی کارد، با بخیلی هم درو کند و هر که با برکت کارد، با برکت نیز درو کند» (دوم قرنتیان ۹: ۶). با خوشرویی بدهیم. «اما هرکس به طوری که در دل خود اراده نموده است بکند نه به حزن و اضطرار زیرا خدا بخشنده خوش را دوست می‌دارد» (دوم قرنتیان ۹: ۷).

با روشی معین بپردازیم. «در روز اول هر هفته هر کسی از شما به حسب نعمتی که یافته باشد نزد خود ذخیره کرده بگذارد تا در وقت آمدن من زحمت جمع کردن نباشد» (اول قرنتیان ۱۶: ۲). با دادن فداکارانه مردان و زنان فداکار از روشی معین، اغلب انجیل به همه نقاط جهان پخش می‌گردد. هدایای کوچک ما هنوز به وسیله کسی که در مقابل بیت‌المال نشسته است نظاره می‌شود. «و عیسی در مقابل بیت‌المال نشسته نظاره می‌کرد که مردم به چه وضع پول به بیت‌المال میندازند و بسیاری از دولتمندان بسیار میانداختند. آنگاه بیوه‌زنی فقیر آمده دو فلس که یک رفع باشد انداخت. پس شاگردان خود را پیش خوانده به ایشان گفت هر آینه به شما می‌گویم این بیوه‌زن مسکین از همه آنانی که در خزانه انداختند بیشتر داد، زیرا که همه ایشان از زیادتی خود دادند، لیکن این زن از حاجتمندی خود آنچه داشت انداخت؛ یعنی تمام معیشت خود را.»

رابرت آرتیکتن، اهل شهر لیدز در انگلستان که فارغ‌التحصیل دانشگاه کمبریج بود، در اتاقی تنها زندگی می‌کرد و خودش غذاهایی می‌پخت به منظور اینکه پول‌هایش را برای کار خداوند در نواحی دوردست پس‌انداز کند. او دارایی زیاد خود را که بالغ بر ۲۱۰ هزار ریال بود تقدیم کرد به شرط اینکه آن پول‌ها در طی ۲۵ سال فقط برای کار بشارت صرف شود پس از مرگش یک تکه کاغذ از او پیدا شد که روی آن این کلمات نوشته شده بود: «با مسرت خاطر زمین خشک را تختخوابم می‌سازم. جعبه‌ای را نیز صندلی خود درست می‌کنم و جعبه‌ای دیگر را میزم که انسان‌ها بدون حکمت مسیح هلاک نگردند.»

۷- بالاخره می‌توانید خودتان را به عنوان خادم خداوند به او بسپارید و به نقاطی که او شما را می‌خواند بروید. برای این امر باید مایل باشید که خودتان را کاملا به خدا تسلیم نمایید. «لهذا ای برادران شما را به رحمت‌های خدا استدعا می‌کنم که بدن‌های خود را قربانی زنده مقدس پسندیده خدا بگذرانید که عبادت معقول شماست و هم‌شکل این جهان مشوید، بلکه به تازگی ذهن خود صورت خود را تبدیل دهید تا شما دریافت کنید که اراده نیکوی پسندیده کامل خدا چیست» (رومیان ۱۲: ۱-۲). اراده او به وسیله کلامش و اثر روح‌القدس و احساس مسؤولیت در قلبتان بر شما آشکار می‌گردد. (در خصوص این موضوع در درس دهم بیشتر توضیح داده خواهد شد).

هدایت شدن از حوادث زندگی، اگرچه ناچیزترین وسیله برای هدایت یک شخص است، ولی اغلب همین حوادث باعث هدایت فردی می‌گردد. خوانده شدن شما برای خدمت خداوند باید برای اشخاص روحانی شود. «و در کلیسایی که در انطاکیه بود انبیا و معلمانی چند بودند. برنابا و شمعون ملقب به پنجرولوکیوس قیروانی و مناحم برادر رضاعی هرودیس تیرارخ و سلوس، چون ایشان در عبادت خدا و روزه مشغول می‌بودند، روح‌القدس گفت برنابا و سلوس را برای من جدا سازید از بهر آن عمل که ایشان را گذارده روانه نمودند» (اعمال رسولان ۱۳: ۱-۲). قبل از اینکه انتظار داشته باشیم که خدا ما را به نقاط دوردست بخواند ابتدا باید شاهدان فعالی در شهر و موطن خود باشیم، اما چقدر قابل احترام است و چه امتیازی بزرگ است که مسؤولیت رسانیدن انجیل به آنهایی که هرگز نشنیده‌اند به عهده آدم باشد، خدا به عده زیادی از این قبیل مردان و زنان نیازمند است که از طرف او فرستاده شوند. آیا شما مایلید که یکی از این اشخاص باشید؟

درس نهم: نظارت مسیحی بر پول

ناظر کسی است که چون یک نگهبان از اموال دیگری نگهداری کرده و امور او را اداره می‌کند. هر مسیحی ناظری است از جانب خداوند، هر آنچه که دارد از قبیل وقت، استمداد، دارایی از آن خدا می‌باشد و باید برای خدا به نحوی به کار رود که باعث جلال او گردد. «همچون کارگزاران امین بر فیض گوناگون خدا، هر یک به حسب نعمتی که یافته باشد یکدیگر را در آن خدمت نماید» (اول پطرس ۴: ۱۰). در این درس به طور مخصوص امور نظارت بر پول را مورد بررسی قرار می‌دهیم. به هر حال بنیاد اصلی برای نظارت در هر چیز یکسان است. این موضوع در شعر زیر خوب تأکید شده: «چیزی ندارم که از آن خود بدانم هر چیز را برای بخشنده حفظ می‌کنم قدرتم، زندگی‌ام و تمام وجودم، برای همیشه از آن اوست.»

طرز فکر مسیحی نسبت به امور مادی در نقل و قول ذیل از گفتار عیسای مسیح یافت می‌شود: «اگرچه اموال کسی زیاد شود، حیات او از اموالش نیست» (لوقا ۱۲: ۱۳ و ۱۵). فرزند خدا به جای اینکه در پی اندوختن ثروت زیاد برای خویشتن باشد، باید سعی نماید که در کمال سادگی زندگی کند. به منظور اینکه پول بیشتری داشته تا برای کار خدا صرف نماید. ویلیام برن که مبشری در چین بود، می‌گفت: «اگر شخصی مسیح را در دل خود داشته باشد و فردوس را برابر چشمانش و برکت جسمانی به اندازه‌ای داشته باشد که نیاز روزانه او در زندگی برآورد شود، آنگاه درد و غم میدانی در زندگی او ندارد. او هر آنچه که یک شخص در این مکان و چه در فردوس احتیاج دارد، دارا می‌باشد.»

یکی از خادمان دیگر مسیح که به هادسن تی لر موسوم است، عادت داشت که مرتبا به املاک خودش سرکشی کند و هر آن چیزی را که اضافی به نظر می‌آمد به مصرف برساند تا نزد خدا خجل نشود. طبق کلام خدا یکی از وظایف مسیحیان این است که در امور مادی امین باشند. مسیحی برای مواظبت از کالای خداوند خود لازم است که سؤالات ذیل را مورد بررسی قرار دهد:

۱– چه موقع باید قسمتی از مایملک خود را در راه خداوند بدهیم؟ «مرتب» برای اینکه در حقایق کلام خدا حتی صریح‌تر باشیم، در اول قرنتیان ۱۶: ۲ این آیه را می‌یابیم که می‌گوید: «در روز اول هفته هر یکی از شما به حسب نعمتی که یافته باشد نزد خود ذخیره کرده بگذارد.» از قرار معلوم مسیحیان اولیه هدیه دادن هر روز یکشنبه را مرکز وظیفه خود قرار داده بودند.

۲– چه مبلغی باید بپردازیم؟ شخصی پیشنهاد کرد که به جای این سؤال ممکن است بپرسیم «چه مبلغی برای خود ذخیره کنم؟» چون همه چیز به خدا تعلق دارد مبلغ پرداختی باید در هنگام دعا بین شخص و خداوند معین گردد. به هر حال، راهنمایی‌های ذیل ممکن است در اتخاذ این تصمیم سودمند افتد.

- الف- به اندازه‌ای که خدا ما را موفق کرده باید بپردازیم (به اول قرنتیان ۱۶: ۲ رجوع شود).

- ب- باید سخاوتمندانه عطا کنیم: «اما خلاصه این است که هر که با بخیلی کارد با بخیلی هم درو کند و هر که با برکت کارد با برکت نیز درو کند» (دوم قرنتیان ۹: ۶).

- ج- باید فداکارانه بدهیم (به دوم قرنتیان ۸: ۴-۵ رجوع شود). مسیح به همین طریق جان داد. او غنی بود، ولی خود را فقیر ساخت تا ما به وسیله فقرا غنی گردیم. «زیرا که فیض خداوند ما عیسای مسیح را می‌دانید که هر چند دولتمند بود برای شما فقیر شد تا شما از فقر او دولتمند شوید» (دوم قرنتیان ۸: ۹). بعضی از مسیحیان به منظور اینکه پول بیشتری برای کار خدا داشته باشند خوراک ارزان‌تری می‌خورند و لباس کم قیمت‌تری خریداری می‌کنند. همه ما باید به همان شکل در خرج کردن پول خود برای لباس و غیره محتاط باشیم و سعی کنیم که پول خود را فقط خرج اجناس ضروری نماییم.

- د- باید به تناسب بدهیم. «از مایملک خود خداوند را تکریم نما و از نوبرهای همه محصول خویش. آنگاه انبارهای

تو به وفور نعمت پر خواهد شد و چرخشت‌های تو از شیره انگور لبریز خواهم گشت» (امثال ۳: ۹-۱۰). در عهد قدیم خداوند به اسرائیل امر فرمود که عشریه یعنی یک دهم از اموال خود را کنار بگذارند. «و تمامی ده یک زمین چه از تخم زمین و چه از میوه درخت از آن خداوند است و برای خداوند مقدس می‌باشد و اگر کسی از ده یک چیزی فدیه بدهد پنج یک آن را بر آن بیفزاید و تمامی ده یک گاو و گوسفند یعنی هر چه زیر عضا بگذارد دهم آن برای خداوند مقدس خواهد بود» (لاویان ۲۷: ۳۰-۳۲). در مسیحیت یک چنین قانونی وجود دارد، اما مسلما نباید از مقداری که شریعت تعیین کرده کمتر بپردازیم. هنگامی که می‌گوییم که هدیه دادن باید به تناسب باشد، منظور این است که باید مطابق مبلغ درآمد خود بدهیم. اگر حقوق ما بالا می‌رود، مبلغ هدیه ما نیز باید بیشتر شود. گزارش شده از یک خادم مسیحی که نصف پولی را که بدست می‌آورد به خدا تقدیم می‌نمود. شخص پیشه‌ور برجسته‌ای نود درصد درآمد خود را به خداوند می‌داد.

۳- با چه روحیه‌ای باید بدهیم؟ در اینجا باید تذکر داده شود که نظارت فقط یک نوع مسؤولیت نمی‌باشد، بلکه یک امتیاز و مسرت است. از دوم قرنتیان ۷:۹ یاد می‌گیریم که باید:

- الف- از روی مقصود بدهیم، نه به طور تصادفی
- ب- از روی میل بدهیم، نه الزام
- ج- با خوشحالی بدهیم، نه با اضطرار

لازم است که نکات ذیل را نیز اضافه کنیم:

- د- نهانی، نه در میان انظار. پس چون صدقه دهی پیش خود کرنا منواز چنانکه ریاکاران در کنایس و بازارها می‌کنند تا نزد مردم اکرام یابند. هر آینه به شما می‌گویم اجر خود را باز یافته‌اید، بلکه تو چون صدقه دهی دست چپ تو از آنچه دست راستت می‌کند مطلع نشود. تا صدقه تو در نهان باشد و پدر نهان‌بین تو، تو را آشکارا اجر خواهد داد» (متی ۶: ۲-۴).

- ه- با صداقت بدهیم نه اینکه ادعا کنیم که همه چیز خود را داده‌ایم، حال آنکه مقداری در نهان مخفی داریم (به اعمال رسولان ۵: ۱-۴ رجوع شود).

۴- به چه کسی باید بدهیم؟ شایسته است به خاطر خود بسپاریم که تمام هدایا باید به خاطر جلال خداوند تقدیم گردد. هنگامی که پول برای کار او و یا به خادمین می‌دهیم، در واقع به خود خدا تقدیم می‌کنیم. اگر اهمیت این امر واقف درک گردد، آنگاه نظارت دگرگون خواهد شد. یک مسیحی مجرب هرگز دچار این اشکال نمی‌گردد که پولش را در کدام مکان مناسب خرج کند. او همیشه این آرزو را خواهد داشت که ای کاش پول بیشتری داشت تا برای پخش انجیل در سراسر جهان می‌داد. او احساس مسؤولیت خواهد کرد که به این منابع پول بدهد:

- الف- کلیسای محلی خود را بپردازد. همیشه هزینه‌هایی وجود دارد که به پشتیبانی شهادت کلیسا ارتباط دارد، هر شخص موظف است که سهمیه خود را به عهده بگیرد.

- ب- به مستمندان بدهید. «جز آنکه فقرا را یاد بداریم و خود نیز غیور به کردن این کار بودم.»

- ج- به بیوه‌زنان بدهد. «بیوه‌زنان را اگر در حقیقت بیوه باشند محترم دار، اما اگر بیوه‌زنی فرزندان یا نواده‌ها دارد آموخته بشوند آه خانه خود را با دینداری نگاه دارند و حقوق اجداد خود را ادا کنند که این در حضور نیکو و پسندیده است.»

- د- به واعظین کلام خدا بدهد. «کشیشانی که نیکو پیشوایی کرده‌اند مستحق رحمت مضاعف می‌باشند علی‌الخصوص آنانی که در تعلیم و کلام محنت می‌کشند، زیرا کتاب می‌گوید گاو را وقتی که خرمن را خورد می‌کند دهن مبند و مزدور مستحق اجرت خود است» (اول تیموتاؤس ۵: ۱۷ و ۱۸).

- ه- پول برای فعالیت‌های مسیحی که مطابق تعلیمات کتاب مقدس باشد و مطابق اصول الهی اجرا می‌گردد

بدهد.

۵– نتایج نظارت بر پول چیست؟ «دادن از گرفتن فرخنده‌تر است» (اعمال رسولان ۲۰: ۲۵). بی‌شک هر مسیحی این حقیقت را ثابت کرده است. نتایج این امر به شرح ذیل است:

- **برکت مادی.** (به امثال ۳: ۹ و ۱۰ رجوع کنید). این مطلب ضرورتا به این معنی نیست که انسان حتما ثروتمند می‌گردد. خدا آنقدر حکیم است که صلاح نمی‌بیند که به اغلب ما ثروت زیادی ببخشد، ولی وعده داده که به حد کافی به ما می‌دهد تا نان روزانه ما فراهم گردد. «اما خدای من همه احتیاجات شما را برحسب دولت خود در جلال در مسیح عیسی رفع خواهد نمود» (فیلیپیان ۴: ۱۹). لازم است به این نکته توجه کنیم که این وعده عظیم در اثر سخاوتمندی قلبی به مسیحیان صمیمی داده شده است (به فیلیپیان ۴: ۱۸ توجه شود).

- **رشد روحانی.** «و هرگاه در مثال بی‌انصافی امین نبودید کیست که امال حقیقی به شما بسپارد» (لوقا ۱۶: ۱). اگر ما، در امور بی‌انصافی (امور مادی) وفادار هستیم، خدا مال حقیقی (حمت و ثروت روحانی) را به ما خواهد سپرد.

- **خوشحالی.** «تمامی عشرها را به مخزن‌های من بیاورید تا در خانه من خوراک باشد و یهوه صبایوت می‌گوید مرا اینطور امتحان نماید که آیا روزن‌های آسمان را برای شما نخواهم گشاد و چنان برکتی بر شما نخواهم ریخت که گنجایش آن نخواهد بود» (ملاکی ۳: ۱۰). برکت در این آیه به معنی خوشحالی است. خداوند این برکت را به سخاوتمندان به فراوانی عطا می‌کند.

- **پذیرفته شدن در خیمه بهشت.** «و من شما را می‌گویم دوستان از مال بی‌انصافی برای خود پیدا کنید تا چون فانی گردید شما را به خیمه‌های جاودانی بپذیرند» (لوقا ۱۶: ۹). اشخاص نجات نیافته به وسیله هدایای ما (دوستان مال بی‌انصافی) هنگامی که بمیریم یا خداوند بیاید، در خیمه‌های جاودانی ما را استقبال خواهند کرد.

- **گنج در آسمان.** «آنچه داری بفروش و به فقرا بده که در آسمان گنجی خواهی داشت» (لوقا ۱۸: ۲۲). یک کاسه آب سرد هم به نام او پاداش ما را در آسمان حفظ خواهد کرد. «هر که شما را از اینرو که از آن مسیح هستید کاسه‌ای از آب به اسم من بنوشاند هر آینه می‌گویم اجر خود را ضایع نخواهد کرد» (مرقس ۹: ۴۱).

درس دهم: عشق و زناشویی

یکی از موضوعاتی که درک آن برای ما شگفت‌انگیز است، این است که «راه مرد با دختر باکره است» (امثال ۳۰: ۱۹). به سبب غرایز نهان، جوان از هر نسل و نژادی به طریقی عجیب به سوی جنس مخالف کشیده می‌شوند. این امر به طور کلی در همه جا یکسان است یک آشنایی ساده به دوستی کشیده می‌شود. آنگاه عشق و سپس انتخاب همسر و ازدواج پیش می‌آید. جوانان مسیحی که مشتاق به خشنود کردن خداوند هستند پی می‌برند که این موضوع بسیار مهم بوده و دارای اهمیت است. هنگامی که دوستی‌ها و شراکت‌ها از روی دقت و یا دعا تحت برکات خدا باشد، تأثیر عمیقی در سرتاسر زندگی طرفین برجای خواهد گذاشت، از طرف دیگر از آنجایی که شیطان می‌خواهد امتیازی کسب نماید سعی و کوشش می‌نماید که به وسیله وسوسه‌های شیطانی خود هر چقدر ممکن است زندگی‌های زناشویی را از هم پاشیده و شهادت‌ها را خنثی گرداند. بنابراین، لازم است که چند سؤالی را درمورد شراکت با جنس مخالف مورد بررسی قرار دهیم:

۱– آشنایی دختر با پسر

به منظور انتخاب کردن همسر آینده؟ آشنا شدن دخترها و پسرها با هم لازم است، اما اظهارنظر این موضوع هنوز در ایران کمی مشکل است که چه کار باید کرد، چونکه عرف و عادت دیرینه همواره قوی و استوار بوده و برای این اجتماع درک وجود عشق آنطوری که مسیحیت بیان می‌کند مشکل می‌باشد. مسیحیت عشق را به معنای واقعی خود آزاد دانسته و معتقد است که این موهبتی است عزیز مابین دو انسان سالم، اما برای امکان به وجود آورده ازدواج‌های سعادت‌آمیز باید برای پسران و دختران فرصت‌هایی پدید آورد که به طریق صحیح و طبیعی و بدون دلهره و بدون خجالت و تظاهر معاشرت کنند و یاد بگیرند که چگونه یکدیگر را محترم بدارند. تحصیل در مدارس، فعالیت‌های جوانان، تفریحات سالم و گردش‌های دسته‌جمعی، همه اینها که فرصت را به وجود آورند برای کلیسا نیز کار پرثمری خواهد بود.

۲– مفهوم عشق

عده‌ای بر این عقیده هستند که دوست داشتن فقط در آمیزش طرفین خلاصه می‌شود، اما آن عشق کاملی که کتاب مقدس به آن اشاره می‌کند فقط شامل جسم نبوده، بلکه دل نیز در آن شریک می‌باشد. در عصر ما، هنگامی که پسری به دختری اظهار عشق می‌کند و می‌گوید: «من تو را دوست دارم» منظورش جز این چیزی نیست. هدف او این است که من از تو چیزی می‌خواهم، اما نه برای خودت، بلکه برای خودم، مهم نیست که بعدها چه پیش خواهد آمد، همین حالا اهمیت دارد. من تو را برای اجرای هوس‌هایم می‌خواهم، تو تنها کسی هستی که می‌توانی خواسته مرا برآوری و به خواسته‌های دلم پاسخ گویی، اما این عشق نیست این زجر است. این خودخواهی و خودپرستی است. پس به جای اینکه بگوید من عاشق دختری شده‌ام می‌تواند اعتراف کند که من عاشق خودم و هوس‌هایم شده‌ام و برای این منظور دختری را وسیله ارضای هوس‌های خود نموده‌ام.

اجازه دهید کمی بیشتر مطلب را توجیه کنیم و شرح دهیم. زمانی که پسری به دختری می‌گوید: «من تو را دوست دارم» منظور واقعی او چه باید باشد؟ باید مقصود این باشد که من تو را می‌ستایم، تنها تو را، تو را، تو را و تو را و در ژرفنای قلبم عزیزی، تو تنها آرزوی من و بالاخره تو نیمی از وجود من هستی. حاضرم به خاطر تو از هر چیز دست بکشم، تنها به خاطر تو زندگی می‌کنم و به خاطر وجود تو کار خواهم کرد. در انتظار آن هستم که تو از آن من گردی. در زندگی با تو بردباری به خرج خواهم داد. حتی کلماتی که عنوان تحصیل در آن احساس شود، به تو نخواهم گفت. در آینده حضور توست که دل پریشانم از فروغ شادی تابناک می‌گردد. در صداقت، در پاکی و صافی، در حزن و اندوه و خوشی و شادی شریک و حافظ تو خواهم بود. پولم، فکرم، قلبم، جسمم را و بالاخره تمام وجودم را در راه تو خواهم نهاد. بدون موافقت و رأی تو قدمی برنخواهم داشت. تنها آزویم این است که تو در کنار من باشی و من در کنار تو و همکار و شریک واقعی زندگی هم گردیم. این است مفهوم عشق واقعی.

۳- توافق طرفین
یکی از سؤال‌های لازم این باید باشد که «آیا این شریک من در کتاب مقدس سهمی دارد؟» اگر شخص مزبور بی‌ایمان باشد، حتی فایده‌ای ندارد که درمورد این موضوع دعا کنیم، زیرا بر مسیحی به صراحت قدغن شده که با چنین اشخاصی وصلت کند. زیر یوغ ناموافق با بی‌ایمانان نروید، زیرا عدالت را با گناه چه رفاقت و نور را با ظلمت چه شراکت است» (دوم قرنتیان ۶: ۱۴). تفسیر غم‌انگیز بر سستی انسان است که مسیحیان خودشان را قانع می‌کنند که در زناشویی با اشخاص نجات نیافته عمل صحیحی را اعمال می‌کنند. به عبارت دیگر آنها به خود می‌گویند و معتقد می‌شوند که شخص مزبور ممکن است تولد تازه بیابد یا هم‌اکنون یافته است. هنگامی که شمشون عاشق زنی مشرک شد، نظر این بود که «او در نظر من پسندیده آمد.» بهتر بود که او این سؤال را می‌کرد که آیا او در نظر خدا هم پسندیده آمد؟ (داوران ۱۴: ۳).

۴- سپس قابل اهمیت است که بپرسیم «آیا علایق ما با هم جور می‌آید؟»
آیا طرفین می‌توانند با هم دعا کنند و در کلام خدا شرکت و رفاقت داشته باشند؟ آیا این همسر در خدمت خداوند کمکی خواهد بود؟ توافق مادی و اخلاقی و مذهبی به طور کلی یکی از اصول مهم زناشویی است. جلوه‌های جسمی و ظاهری اغلب در قدم اول گذاشته می‌شوند و از تفکرات فوق غفلت می‌گردد.

۵- سرانجام باید دید که آیا «خداوند هر دو را هدایت کرده است؟»
این امری است که باید رسیدگی شود. برای جوانان که عاشق می‌شوند مشکل است که به طور واضح و واقعی فکر کنند. از آنجایی که افکار آنها ناشی از احساسات است در خصوص هدایت شدن از خدا به آسانی دچار اشتباه می‌گردند. ممکن است درموردی که در بالا ذکر شد کامل باشد، با این احوال باز هم برگزیده خدا نباشد. سعی کنید که در هدایت و راهنمایی او اطمینان کسب نمایید. هنگامی که اصول فوق شناخته شد، سپس مطمئن‌تر است که برای نامزدی قدم برداشته شود. نامزدی پیمانی است که در اثر وفاداری طرفین نسبت به هم به ازدواج منتهی می‌گردد.

اینک در خصوص مصاحبت و ملاقات، سه قانون طلایی نیز وجود دارد که به ترتیب نام می‌بریم:
۱- از افکار دنیوی تقلید نکنید.
کلمه عشق در افکار عمومی آنچنان پست و فاسد شده که اغلب به لذت جسمانی تشبیه می‌گردد و سؤاستفاده‌ای از عواطف است. چنین اعمالی نه تنها برای مسیحیان رسوایی و خفت است، بلکه خطری قطعی می‌باشد. «از شهوات جوانی بگریز و با آنانی که از قلب خالص نام خداوند را می‌خوانند عدالت و ایمان و محبت و سلامتی را تعاقب نما» (دوم تیموتاؤوس۲: ۲۲). «ای محبوبان استدعا دارم که چون غریبان و بیگانگان از شهوات جسمی که با نفس در نزاع هستند اجتناب نمایید» (اول پطرس ۲: ۱۱). گیر افتادن در این چیزها بازی کردن با آتش است حتی نیز قوی‌ترین شخصیت نمی‌تواند آتش را در آغوش کشد بدون آن که بسوزد. بدیهی است که ایماندار باید «از هر نوع» بدی حذر کند (اول تسالونیکیان ۵: ۲۲)؛ یعنی فرد ایماندار آنچنان باید خودش را منظم کند که هیچ جای سؤظن باقی نگذارد. ملاقات‌های بی‌مناسبت و دیر ماندن بیش از حد خارج از خانه غالبا دشمنی و بی‌حرمتی برای شخص به وجود می‌آورد.

۲- به حرف‌های هنیویان گوش ندهید.
در مدارس و دانشگاه‌ها به جوانان به طور واضح توصیه می‌شود که نفس و شهوات جسمانی خود را مهار کنند. مردم اغلب اشخاص پاکدامن را ریشخند می‌کنند و آنها را به ریاکاری و جانماز آب‌کشی متهم می‌کنند. به فساد اخلاق از انواع گوناگون به اضافه روابط هرزه پیش از ازدواج به دیده اغماض نگریسته می‌شود و اکثرا این موضوع را امری طبیعی و لازم برای اعمال بدنی می‌دانند. «تا آنکه بعد از آن مابقی عمر را در جسم نه به حسب شهوات انسانی بلکه موافق اراده خدا بسر برد، زیرا که عمر گذشته کافی است برای عمل نمودن به خواهش امت‌ها و در فجور و شهوات و میگساری و عیاشی و بزم‌ها و بت‌پرستی‌ها حرام، رفتار نمودن و در این متعجب هستند که شما همراه ایشان به سوی همین اسراف اوباشی نمی‌شتابید و شما را دشنام می‌دهند و ایشان حساب خواهند داد بدو که مستعد است تا زندگان و مردگان را داوری نماید» (اول پطرس ۴: ۲-۵).

جوانان مسیحی نباید از تبلیغات شیطانی فریب بخورند «اما زنا و هر ناپاکی و طمع در میان شما هرگز مذکور هم

نشود و چنانکه مقدسین را می‌شاید، زیرا یقین می‌دانید که هیچ زانی یا ناپاک یا طماع که بت‌پرست باشد میراثی در ملکوت مسیح و خدا ندارد» (افسسیان ۵: ۲ و ۵). جوانان مسیحی همواره باید به خاطر داشته باشند که بدن آنها هیکل روح‌القدس است که در شماست که از خدا یافته‌اید و از آن خود نیستید» (اول قرنتیان ۶: ۱۹) و هنگامی که مسیحیان در این امور کوشش می‌کنند به دستور الهی توجه خواهند داشت که می‌فرماید: «خود را طاهر نگه دار» (اول تیموتاؤوس ۵: ۲۲).

۳– با اشخاص دنیوی متفق نشوید.

«معاشر بداخلاق حسنه را فاسد می‌سازد» (اول قرنتیان ۱۵: ۳۳). اگر شما پیوسته با مردم بی‌ایمان (آنهایی که به مسیح ایمان ندارند) معاشرت کنید، رفته رفته تحت تأثیر افکار و اعمال آنها قرار می‌گیرید. البته منظور این نیست که با سایر مردم به کلی قطع رابطه شود. «پس خداوند می‌گوید از میان ایشان بیرون آیید و جدا شوید و چیز ناپاک را لمس مکنید تا من شما را مقبول بدارم و شما را پدر خواهم بود و شما مرا پسران و دختران خواهید بود، خداوند قادر مطلق، می‌گوید» (دوم قرنتیان ۶: ۱۷ و ۱۸).

اما حتی بدتر از این خطر افتادن به دست‌های اشخاص شریر است که رغبت شیطانی پیدا می‌کنند تا دیگران را به سوی زندگی گناه‌آلود هدایت کنند. «زیرا هر چند انصاف خدا را می‌دانید که کنندگان چنین کارها مستوجب موت هستند، نه فقط آنها را می‌کنند، بلکه کنندگان را نیز خوش می‌دارند» (رومیان ۱: ۳۲). دنیا تحت تهاجم زنان و مردان فاسد و مردود قرار گرفته که از هر گونه تدبیر و نیرنگ و چاپلوسی استفاده می‌کنند تا جوانان را برای مقاصد گناه‌آلود و شماتت بار به کار اندازند. کتاب امثال سلیمان نبی مخصوصا در این مورد آموزنده است و باید به عنوان کتابی راهنما برای هر جوان ایماندار در این زمینه باشد. این کتاب اخطار می‌دهد که «از زن اجنبی دوری گزینید» (امثال ۲: ۱۹). طریق خدا، چیزهای عاقلانه نصایح عملی هم در این کتاب یافت می‌شود.

درس یازدهم: زناشویی و خانواده

زناشویی از طرف خداوند به سبب برقراری نسل بشر تعیین شده است. بنابراین ما نیز از نکته نظر برقراری نژاد انسانی سخن می‌گوییم تا به عنوان امری مسیحی، به هر حال این موضوع در برابر مسیحیت با کلیسایش به کار برده شده. «زیرا که شوهر سر زن است چنانکه مسیح نیز سر کلیسا و او نجات‌دهنده بدن است، لیکن همچنان که کلیسا مطیع مسیح است همچنین زنان نیز شوهران خود را در امری باشند، این سر عظیم است، لیکن من درباره مسیح و کلیسا سخن می‌گویم» (افسسیان ۵: ۲۳، ۲۴ و ۳۲).

امکان ندارد که مطلب مذکور را به طور جامع در اینجا مورد بحث قرار دهیم، لذا کوشش شده که فهرستی از مهم‌ترین تعلیمات کتاب مقدس در خصوص زناشویی در اینجا به طور ساده آورده شود:

۱- اول، زناشویی قبل از اینکه گناه داخل جهان گردد به وسیله خدا مقرر شد. «از این سبب مرد پدر و مادر خود را ترک کرده با زن خویش خواهد پیوست و یک تن خواهند بود» (پیدایش ۲: ۲۴). اگر شیطان کوشید که امر زناشویی را با زنجیر طلاق به نابودی بکشاند، با این حال کلام خدا تعلیم می‌دهد که زناشویی امری است مشروع. «پس رأی من این است که زنان جوان نکاح شوند و اولاد بزایند و کدبانو شوند و خصم را مجال مذمت ندهند» (اول تیموتاؤوس ۵: ۱۴). «نکاح به هر وجه محترم باشد و بسترش غیرنجس، زیرا که فاسقان و زانیان را خدا داوری خواهد فرمود» (عبرانیان ۱۳: ۴). کتاب مقدس این مطلب را با وقار حقیقی مورد بحث قرار می‌دهد و مسیحیان باید مواظب افکار و سخنان خود و هر چیز دیگری که از این وقار می‌کاهد باشند.

۲- مقصود الهی این است که اغلب انسان‌ها زناشویی کنند. «خداوند گفت خوب نیست که آدم تنها باشد پس برایش، معاونی موافق وی بسازم.»

۳- موارد استثنایی این قانون در متی ۱۹: ۱۲ آمده است.«زیرا که خصی‌ها می‌باشند که از شکم مادر چنین متولد شده‌اند و خصی‌ها هستند که از مردم خصی شده‌اند و خصی‌ها می‌باشند که به جهت ملکوت خدا خود را خصی نموده‌اند، آنکه توانایی قبول دارد بپذیرد.» بعضی‌ها به خاطر ملکوت مجرد باقی می‌مانند همچنان که تی بلی و فرنج که دو مبشر در چین بودند اشاره کردند. «هر پسر و دختری حق دارد که عاشق شود و ازدواج کند، اما بعضی‌ها باید خود را آماده کنند که از آن حق به خاطر مسیح و انجیلش بگذرند.» لازم نیست بگوییم، هنگامی که خدا یک شخص را برای زندگی تجرد می‌خواهد، فیض لازم را عطا می‌فرماید. همچنین شخصی که برای این زندگی خوانده شده نباید بر خود ببالد که فداکاری مخصوصی برای خداوند می‌کند.

۴- مقاصد خدا در طرح رابطه زناشویی به قرار ذیل است:

- **الف- برای اینکه رفاقت محبت‌آمیز و مساعدت دو سره برای مخلوقات خودش به وجود آورد. «و خداوند خدا گفت خوب نیست که آدم تنها باشد پس برایش معاونی موافق وی بسازم» (پیدایش ۲: ۱۸).**

- **ب- برای ازدیاد نسل. «و خدا ایشان را برکت داد و خدا به ایشان گفت بارور و کثیر شوید و زمین را پر سازید و در آن تسلط نمایید و بر ماهیان دریا و پرندگان آسمان و همه حیواناتی که بر زمین می‌خزند حکومت کنید» (پیدایش ۱: ۲۸) و خدا نوح و پسرانش را برکت داده به ایشان گفت بارور و کثیر شوید و زمین را پر سازید (پیدایش ۹۹: ۱). در اتحاد و زناشویی، مرد و زن در انجام شگفت به دنیا آوردن حیات تازه با خدا شریک هستند. «اینک پسران میراث از جانب خداوند می‌باشند و ثمره رحم اجرتی از اوست. مثل تیرها در دست مرد زورآور. همچنان هستند پسران جوان. خوش به حال کسی که ترکش خود را از ایشان پر کرده است.»**

- **ج- برای جلوگیری از زنا، «لیکن به سبب زنا هر مرد زوجه خود را بدارد و هر زن و شوهر خود را بدارد» (اول قرنتیان ۷: ۲) و جلوگیری از ناپرهیزگاری. «لیکن اگر پرهیز ندارد نکاج بکنند، زیرا که نکاح از آتش هوس**

است» (اول قرنتیان ۷: ۹). درباره مطلوب زناشویی در تمام فصل هفتم اول قرنتیان به طور مفصل نوشته شده است. بنابراین به خواننده توصیه می‌نماییم که به مطالعه بیشتری در این فصل بپردازد.

۵- شرایط اساسی و لازم زناشویی برای مسیحی این است که «در خداوند» باشد. «زن مادامی که شوهرش زنده است بسته است، اما هرگاه شوهرش مرد آزاد گردید تا به هر که بخواهد منکوحه شود، لیکن در خداوند فقط» (اول قرنتیان ۷: ۳۹). اصطلاح نه تنها به کسی اشاره می‌کند که دارای تولد تازه می‌باشد، بلکه معلوم می‌گرداند که زناشویی باید با موافقت صریح خداوند انجام گیرد. خداوندی مسیح در این امر باید شناخته شود. به عبارت دیگر، کافی نیست که فقط با یک مسیحی ازدواج کنیم، بلکه شخص مورد نظر باید مسیحی برگزیده خدا باشد.

۶- ذکر خطر عجله در امر زناشویی لازم است. شاید این گفته را شنیده‌اید که می‌گوید: «اگر کسی عجولانه ازدواج کند پشیمان می‌شود.» از آنجایی که این گفته از کلام خدا نیست، ولی حقیقت دارد.

۷- زناشویی پیمانی است تا زمانی که طرفین زنده هستند و از هم جدا نمی‌شوند (به متی ۱۹: ۶ و رومیان ۷: ۳ و ۳ و اول قرنتیان ۷: ۳۹ رجوع شود). درست است که یک استثنای جزئی درمورد شریک بی‌وفا به کار می‌رود، اما طلاق عکس گفته کلام خدا را به اجرا درمی‌آورد. «لیکن من به شما می‌گویم هر کس به غیر زنا زن خود را از خود جدا کند باعث زنا کردن او می‌باشد و هر که زن مطلقه را نکاح کند زنا کرده باشد» (به متی ۵: ۲۲ و ۱۹: ۹ رجوع شود).

اینک در خصوص زناشویی و تشکیل خانواده سؤالات زیادی در افکار مسیحیان جوان وجود دارد سؤالاتی درونی که عاقلانه است آنها را در اینجا مورد بحث قرار دهیم. به هر حال، این سؤالات مهم هستند و باید به آنها اهمیت داد. اغلب جوانان مجبورند اطلاعاتی در خصوص خانواده و زناشویی از منابع دنیوی کسب کنند، اما در عقاید دنیوی‌ها تحریکات و انحرافاتی وجود دارد که در تمام افکار ایماندار از طریق منفی تأثیرمی‌گذارد. بنابراین ما منابعی را که می‌شود از آنجا اطلاع کسب کرد در ذیل می‌آوریم.

- **والدین خود شخص.** تا آنجایی که کتاب مقدس می‌گوید، خانواده‌های جوان باید دستورات اولیه را از خانه یاد بگیرند. والدین مسیحی که در انجام این وظیفه تردید به خرج می‌دهند، قیودات خود را نادیده می‌گیرند. به پسران خود تعلیم دهید و حین نشستنت در خانه خود و رفتنت به راه و وقت خوابیدن و برخاستنت از آنها گفتگو نمایید (تثنیه ۱: ۱۹). «پدران به پسران راستی تو را تعلیم خواهند داد» (اشعیا ۸: ۱۹).

- **خود کتاب مقدس.** در این کتاب ایمانداران جوان نکات عمده‌ای از نظریه خدا درمورد موضوع مورد نظر کسب خواهند کرد.

- **یک دوست مسیحی روحانی.** خوشا به حال کسی که دوستی خداشناس دارد که با جرأت می‌تواند نزد او برود و اشکالاتش را با وی در میان بگذارد و از او نصیحت و دستور لازم بگیرد.

- **یک دکتر معتمد، اگر مسیحی باشد بهتر است.** از این نظر می‌گویم: «مسیحی باشد بهتر است»، چون ممکن است اطلاع دکتر مربوطه به زناشویی و تولد بچه قابل قبول باشد، ولی شاید نصایح وی کاملا رضایت‌بخش نباشد.

- **ادبیات مسیحی.** از کتاب‌فروشی‌ها و کتابخانه‌های مسیحی کتاب‌هایی که در این زمینه نوشته شده‌اند تهیه کنید و با دقت آنها را بخوانید. نسبت به خانه و خانواده، در اینجا ما دستوراتی را از کتاب مقدس جدا کرده‌ایم. وظایف اعضای خانواده با دقت در زیر آمده است. مثال‌های ذیل به عنوان نمونه است.

- **وظیفه شوهر نسبت به همسرش**

الف- باید او را دوست بدارد. «ای شوهران زنان خود را محبت نمایید چنانکه مسیح هم کلیسا را محبت نمود وخویشتن را برای آن داد» (افسسیان ۵: ۲۵ همچنین به کولسیان ۳: ۱۹ رجوع شود).

ب- باید به او احترام بگذارید. «همچنین ای شوهران با فطانت با ایشان زیست کنید، چون با ظروف ضعیف‌تر زنانه و ایشان را محترم دارید، چون با شما وارث فیض حیات نیز هستند تا دعاهای شما بازداشته نشود» (اول پطرس ۳: ۷).

ج- چون جان خود از او مواظبت کنید. «آدم گفت همانا این است استخوانی از استخوان‌هایم و گوشش از گوشم از این سبب نسا می‌شود، زیرا که از انسان گرفته شد» (پیدایش ۲: ۳۳).

د- به او وفادار باشید. پس از روح‌های خود با جذر باشید و زنهار احدی به زوجه جوان خود خیانت نورزد» (ملاکی ۲: ۱۴ و ۱۵).

ه- او را تسلی بدهد. «و شوهرش القانه وی را گفت ای حنا چرا گریانی و چرا نمی‌خوری و دلت چرا غمگین است آیا من برای تو از ده پسر بهتر نیستم» (اول سموئیل ۱: ۸).

- **وظیفه زن نسبت به شوهرش**

الف- او را دوست بدارد. «تا زنان جوان را خرد بیاموزد که شوهر دوست و فرزند دوست باشند» (تیطس ۲: ۴).
ب- او را احترام کند. «زیرا که شوهر سر زن است چنانکه مسیح نیز سر کلیسا و او نجات‌دهنده بدن است» (افسسیان ۵: ۲۳).
ج- به او وفادار باشد (به اول قرنتیان ۷: ۳-۵ و ۱۰ رجوع شود).
د- شوهر خود را اطاعت کند. «ای زنان شوهران خود را اطاعت کنید چنانکه خداوند را»، «لیکن همچنان که کلیسا مطیع مسیح است همچنین زنان شوهران خود را در هر امری (مطیع) باشند» (افسسیان ۵: ۲۲ و ۲۴ و تیطس ۲: ۵).

- **وظیفه والدین نسبت به فرزندان**

الف- آنها را محبت کنند. «تا زنان جوان را خرد بیاموزد که شوهر دوست و فرزند دوست باشند» (تیطس ۲: ۱۴)

ب- آنها را به سوی مسیح هدایت کنند. «آنگاه چند بچه را نزد او آوردند تا دست‌ها بر ایشان نهاده دعا کند، اما شاگردان ایشان را نهیب دادن. عیسی گفت بچه‌های کوچک را بگذارید و از آمدن نزد من ایشان را منع مکنید، زیرا ملکوت آسمان از مثل اینهاست» (متی ۱۹: ۱۲ و ۱۴).

ج- آنها را برای خدا تربیت کنند «ای پدران فرزندان خود را به خشم میاورید، بلکه ایشان را به تأدیب خداوند تربیت نمایید» (افسسیان ۶: ۴).

و- وسایل زندگی برای آنها فراهم کنند. «نمی‌باید فرزندان برای والدین ذخیره کنند، بلکه والدین برای فرزندان» (دوم قرنتیان ۱۲: ۱۴). «ولی اگر کسی برای خویشان و علی‌الخصوص اهل خانه خود تدبیر نکند منکر ایمان و پست‌تر از بی‌ایمان است» (اول تیموتاؤوس ۵: ۸).

ه- به آنها اندرز بدهند و اصلاحشان نمایند. «پسر خود را تأدیب نما که تو را راحت خواهد رسانید و به جان تو لذت خواهد بخشید» (امثال ۲۹: ۱۷). «ای پدران فرزندان خود را خشمگین مسازید مبادا شکسته دل شوند» (کولسیان ۳: ۲۱).

- **وظیفه فرزندان نسبت به والدین**

الف- توجه به تعالیم پدر و مادر. «ای پسر من تأدیب پدر خود را بشنو و تعالیم مادر خویش را ترک منما. زیرا که آنها تاج زیبایی برای سر تو و جواهر برای گردن تو خواهند بود» (امثال ۱: ۸ و ۹).

ب- احترام به آنها. «پدر و مادر خود را احترام نما تا روزهای تو در زمینی که یهوه خدایت به تو می‌بخشد دراز شود» (خروج ۲۰: ۱۲).

ج- اطاعت از آنها. «ای پسر از امر پدر خود را نگاه دار و تعلیم مادر خویش را ترک منما» (امثال ۶: ۲۰). «ای فرزندان والدین خود را در خداوند اطاعت نمایید، زیرا که این انصاف است» (افسسیان ۶: ۱).

د- مواظبت و نگهداری از آنها در سنین پیری یا احتیاج. «اما اگر بیوه‌زنی فرزندان یا نواده‌هایی دارد آموخته بشوند که خانه خود را با دینداری نگه دارند و حقوق اجداد خود را ادا کنند که این در حضور خدا نیکو و پسندیده است» (اول تیموتاؤوس ۵: ۴). آخرین گفتار ما این است که در خانواده وقت معینی در روز را باید برای خواندن کتاب مقدس و تبادل افکار پیرامون آن تعیین گردد و نیز متحدا دعا کنند. هر کجا این امر با وفاداری اعمال گردد برکت خداوند عملا در آنجا سایه میفکند.

درس دوازدهم: دعوت خداوند برای خدمت

از یک نظر هر ایماندار حقیقی باید تمام عمرش خادم خداوند باشد. شغل ایماندار هر چه باشد، او باید همه چیز را به خاطر خدا انجام دهد. به هر حال، از نظر دیگر بعضی هستند که به طور مخصوصی از میان دیگران برگزیده می‌شوند و جدا می‌گردند که با هدایت روح‌القدس به خدمت خداوند مشغول شوند. «چون ایشان در عبادت خدا و روزه مشغول می‌بودند روح‌القدس گفت برنابا و سلولس را برای من جدا سازید از بهر آن عمل که ایشان را برای آن خوانده‌ام» (اعمال رسولان ۱۳: ۱۲). این دعوت ممکن است برای کار در موطن ایماندار باشد یا خدمت در خارج، اما این امر تجربه‌ای است قطعی که در اثر آن شخص ایماندار به سبب فرا خوانده شدن از طرف خدا با اطمینان کامل قدم به جلو می‌گذارد.

بسیاری تصور می‌کنند که با رفتن به مدارس علوم الهی در این نوع خدمت واجد شرایط خواهند بود. البته چنین تحصیلاتی هرگز نمی‌تواند شخص را خادم عیسای مسیح گرداند. تحصیل در مدارس علوم الهی کمکی واقعی برای کسی است که از طرف خدا خوانده شده، ولی آن تحصیلات به تنهایی شخص را شایسته این امر نمی‌گرداند. برخی دیگر تصور می‌کنند که با دست‌گذاری شدن، آن لیاقت و امتیاز خدمت برای کلام خدا به آنها عطا می‌شود. اسپرجن، کشیش مشهور انگلیسی می‌گوید: «این طرز تفکر فریبی بیش نیست، زیرا بدون دست‌گذاری مقتدرانه دست‌های سوراخ شده هر گونه موعظه انسانی درست مثل ریختن بذر در میان زمین مساعد است.»

اگر شخص به طور قطعی به خدمت مسیحی علاقه‌مند شد، چه باید بکند؟ مسلما اولین قدم این است که خود را در حالت پایداری در تسلیم به خدا نگه دارد. وقف کردن خود به خداوند عملی ساده نیست، بلکه تجربه‌ای است تدریجی حتی اگر خدا هرگز شما را فرا نخواند که او را در دوردست‌ترین نقطه آفریقا در گمراهی هستند خدمت کنید و اگر شما فقط میل به این امر داشته باشید به خداوند به همان خواسته شما هم پاداش خواهد داد. «اما خداوند به پدرم داوود گفت، چون در دل تو بود که خانه‌ای برای اسم من بنا نمایی نیکو کردی که این را در دل خود نهادی» (اول پادشاهان ۸: ۱۸). ثانیا، باید نزدیک به خداوند زندگی کنید، به وسیله دعا و مطالعه کلام او. به هر حال، هر مسیحی باید در این طریق زندگی کند، اما برای کسی که صدای خدا را می‌شنود این امر الزامی را دو برابر باید انجام دهد.

سپس در طی زمان انتظار باید او را وفادارانه خدمت کنید. قبل از اینکه برای خدمت خدا به خارج بروید اول باید ثابت کنید که در وطن خود لیاقت دارید کلمات نجات‌دهنده را به خاطر آورید، به خانه نزد خویشان خود برو و ایشان را خبر ده از آنچه خداوند برای تو کرده است و چگونه به تو رحم نموده است» (مرقس ۵: ۱۹). اگر شما نتوانید جان‌های گمشده را در وطن خودتان به سوی او هدایت کنید، بیهوده است فکر نکنید که اگر از اقیانوسی عبور کرده و به سرزمین بیگانه برسید و کوچکترین فرقی به وجود می‌آورید. بعضی اوقات ما برای خداوند در هر جای دیگر بیش از وطن خودمان شهادت می‌دهیم، اما به حواریون گفته شده بود که انجیل را ابتدا در اورشلیم بشارت دهند سپس به یهودیه و سامره و اقصای زمین بروند. «لیکن چون روح‌القدس بر شما می‌آید قوت خواهید یافت و شاهدان من خواهید بود در اورشلیم و تمامی یهودیه و سامره و تا اقصای جهان» (اعمال رسولان ۱: ۸). شما نیز باید از اورشلیم خودتان شروع کنید.

هر طور که باشد، از هر نوع شتاب‌زدگی باید اجتناب کنید. اگر کارتان در جریان اراده خداست، احتیاج نیست که عجله کنید. بسیاری با شنیدن یک موعظه تحت تأثیر واقع می‌شوند و بی‌درنگ دست به کار می‌گردند. منظور ما این است که باید هر گونه امکان شک را مرتفع کنیم و مطمئن شویم که قدم‌هایمان از طرف الهی برداشته می‌شود تا آنجایی که به تکلیف شخص مربوط است، عاقلانه است که نصیحت و دعای مسیحیان دیگر را بخواهید مخصوصا مسیحیان کلیسای محلی را. تمام اشخاص اصولا ظاهربین هستند. شایسته هیچ فردی نیست که قاضی عطیه خودش باشد. ممکن است شخصی فکر کند شایسته آن هست که یک مبشر بشود، اما این ممکن است به طور دردناک برای کلیسا آشکار باشد که این امر دور از حقیقت است.

هنگامی که کسی برای خدمت تمام وقت خداوند قدم به جلو می‌گذارد، باید رهبران کلیسا این موضوع را به طور جدی مورد بررسی قرار دهند. در اولین احوال، باید اضافه کنیم هر خادم مسیح باید با کلیسای محلی شرکت داشته باشد. خدا به خادمی خود سر احتیاج ندارد. هر خادمی از نظر انضباط باید تحت نظر کلیسا باشد. بدیهی است که جدا شدن از انضباط کلیسای مجلس به منزله پذیرفتن حرفه‌ای خطرناک است. هنگامی که خدا با شما سخن بگوید، مطمئنا خواهید دانست شخص گفته که «این امر ارتباط نهانی اراده الهی است. روح‌القدس او شما را متقاعد می‌کند و احساساتتان طغیان می‌نماید که عدم حرکت به منزله بی‌اطاعتی از خداست شما آنقدر از اراده خدا مطمئن می‌شوید که در برابر چیزهای امکان‌ناپذیر ایستادگی کرده و با جرأت قدم به جلو می‌گذارید. زیرا او همه احتیاجات را برایتان فراهم خواهد نمود. باید بروید، زیرا نمی‌توانید سر جای خودتان بمانید. «زیرا هرگاه بشارت دهم مرا فخر نیست، چونکه مرا ضرورت افتاده است، بلکه وای بر من اگر بشارت ندهم» (اول قرنتیان ۹: ۱۶).

«من عقایدم را بدینسان ابراز می‌کنم، ندایی که از سوی خدا در می‌رسد، قدم اول از طرف اوست. یک احساس نهانی در مأموریت به شخص بخشیده می‌شود که شخص مخاطب فرصت جواب منفی ندارد، اما خداوند ابدی راه را برایش مهیا می‌گرداند و او را چون یک خادم و یک آلت در دست می‌گیرد.» ج. ه. ژوئت.

بالاخره، هر کس که او را اطاعت می‌کند و قدم به جلو می‌گذارد، سه پیشنهاد ذیل را برای خدمت مسیحی ارائه می‌کنیم.

۱- کاری را انجام دهید که خدا به شما سپرده و به برادران مسیحی خود چشم نداشته باشید. شک و حسد علف‌های هرزه و آلوده در باغ خدمت خدا هستند. «مترصد باشید مبادا کسی از فیض خدا محروم شود و ریشه مرارت نمو کرده اضطراب بار آورد و جمعی از آن آلوده گردند» (عبرانیان ۱۲: ۱۵). به تمام آنهایی که همواره جوش می‌زنند و درمورد موفقیت دیگران خودشان را پریشان می‌کنند خداوند پاسخ می‌دهد، تو را چه، از عقب من بیا» (یوحنا ۲۱: ۲۲).

۲- در طلب خدماتی که جلب توجه کند نباشید. ناصره و جلیل جای کوچکی بود. ما نیز در اثر گذشت زمان مشاهده می‌کنیم که خدا ما را در همه وقت برای پیشرفت ملکوت خود به کار می‌برد، چون به ثمره کوچک کار خود نظر میفکنیم، مایل می‌شویم که کار بزرگتری به سبب ثمره بیشتری اعمال کنیم.

۳- از موفقیت‌های حاصله خود نبالیم. در مقابل آن خادم بزرگ ما خادمین بی‌منفعتی هستیم. «همچنین شما نیز چون به هر چیزی که مأمور شده‌اید عمل کردید گویید که غلامان بی‌منفعت هستیم، زیرا که آنچه بر ما واجب بود بجا آوردیم» (لوقا ۱۷: ۱۰).

مسؤولیت ما این است که وفادار باشیم. او از نتایج کار مواظبت خواهد کرد. خوب گفته‌اند که «فردوس بهترین و مطمئن‌ترین مکانی خواهد بود که نتایج کارهای خود را ببینیم و کارنده و سیراب‌کننده یک هستند، لیکن هر یک اجرت خود را به حسب مشقت خود خواهند یافت» (اول قرنتیان ۳: ۸). شهادت هر خادمی که از طرف خدا خوانده شده به طور مناسب در کلمات ج. ه. ژوئت خلاصه شده است: «من خطاب خدا را دوست دارم، لذتی مستعل در خدمات خداوند دارم. هیچ نوع آشفتگی به خاطر هیچ نوع رقابت برای قدرت‌طلبی ندارم. فقط یک هدف داشتم و دارم فقط برای او زندگی کنم. برای اعلام کار پرجلال و محبت خداوند و نجات‌دهنده ما عیسای مسیح.